

تأثیرات شیوه زندگی زنان قوم لر بر تعریف عرصه‌های خصوصی و جمعی در خانه‌های تاریخی-قاجاری خرم‌آباد*

مژگان هادی پور مرادی**

مسعود ناری قمی***

ساناز رهروی پوده****

مریم قاسمی سیچانی*****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

علمی پژوهشی

چکیده

خانه‌ها بیان فیزیکی «شیوه زندگی» هستند. خانواده، جایگاه زن و روابط اجتماعی از مهم‌ترین جنبه‌های اجتماعی تأثیرگذار بر الگوی خانه‌ها هستند. در این میان «شیوه زندگی زنان» از اهمیت خاصی برخوردار بوده، به طوری که محرمیت در معماری و عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی را در ارتباط با زنان تعریف کرده‌اند. جوامع بسته به ارزش‌ها، ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خود، عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی را تعریف می‌کنند. این پژوهش به ارتباط میان شیوه زندگی زنان شهر خرم‌آباد با چگونگی تعریف عرصه‌های خصوصی و جمعی در خانه‌های تاریخی-قاجاری خرم‌آباد می‌پردازد. روش این تحقیق از نوع کیفی است و با روش مردم‌نگاری تاریخی انجام شده است. برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها از روش‌های اسنادی و مطالعات میدانی و مصاحبه استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد شیوه زندگی زنان قوم لر بر چگونگی تعریف عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی تأثیرگذار بوده است، به طوری که پرننگ بودن عرصه‌های زندگی جمعی را در معماری خانه‌های تاریخی دوره قاجار شهر خرم‌آباد می‌توان مشاهده نمود؛ چنان که برخی از عرصه‌های زندگی خصوصی کم‌رنگ‌تر شده و دارای ویژگی‌های عرصه‌های زندگی نیمه‌خصوصی بوده‌اند و برخی عرصه‌های زندگی نیمه‌خصوصی خانه‌ها به عرصه‌های زندگی جمعی تغییر کارکرد داده بودند. به عبارتی، زنان با به اشتراک گذاشتن برخی فضاهای خصوصی و نیمه‌خصوصی خانه خود با همسایگان، نوعی عرصه‌های بزرگ‌تر زندگی خصوصی، نیمه‌خصوصی و عرصه زندگی جمعی ایجاد کرده‌اند. عرصه‌های زندگی خصوصی زنانه در مواردی نه تنها خلوتی زنانه بلکه فضایی برای برقراری روابط خانوادگی و اجتماعی نیز بودند.

کلیدواژه‌ها:

شیوه زندگی زنان، عرصه‌های فضایی، زندگی خصوصی، زندگی جمعی، خانه‌های تاریخی خرم‌آباد، دوره قاجار.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان تحولات الگوهای فضایی خانه‌های شهر خرم‌آباد بر اساس نقش زنان در دوره گذار مدرنیته در ایران (مردم‌نگاری تاریخی خانه‌ها از انقلاب مشروطه تا اواخر پهلوی اول ۱۲۸۴-۱۳۲۰ خورشیدی) است که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده چهارم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، واحد خوراسگان درحال انجام است.
** دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی.
*** استادیار، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، نویسنده مسئول، msnarighomi@ut.ac.ir
**** استادیار، گروه معماری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی.
***** دانشیار، گروه معماری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی.

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی

شماره ۲۴ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۷۷

صفحات ۱۰۷-۷۷

پرسش‌های پژوهش

۱. شیوه زندگی زنان چگونه بر تعریف عرصه‌های خصوصی و جمعی در خانه‌های تاریخی-قاجاری خرم‌آباد تأثیرگذار بوده است؟
۲. رابطه میان الگوهای فضایی خانه‌ها و حضور اجتماعی و خانگی زنان شهر خرم‌آباد در دوره قاجار چگونه بوده است؟

مقدمه

از دیدگاه فاضلی، خانه علاوه بر اینکه محل گره خوردن تاریخ و زندگی روزمره است، نوعی نیاز زیستی است که در کلیت نظام اجتماعی و فرهنگ انسانی ادغام و سازگار شده است (۱۳۸۷، ۲۶). راپوپورت^۱ معتقد است نوع و زمان ارتباط اعضای خانواده، حضور زنان در جامعه و چگونگی ارتباط مرد و زن در بیرون از خانه و درون آن، در شکل‌گیری سکونتگاه‌های هر دوره تاریخی مؤثر بوده‌اند (Rapaport 1969, 6). عرصه‌های گوناگون زندگی صرف‌نظر از عملکرد و اندازه‌شان، در معرض تغییرات سریع و تضادهای گوناگون قرار دارند (چرمایف و الکساندر ۱۳۹۴، ۲۶۸). خانه مطابق بررسی‌ها، تعدادی از ویژگی‌های عرصه خصوصی را در هم می‌آمیزد (مدنی‌پور ۱۳۹۴، ۹۲) درعین‌حال «مجموعه‌ای از فضاهای خصوصی، نیمه‌خصوصی و گاهی نیز نیمه‌عمومی را در بر می‌گیرد» (Ben and Gaus 1983). در خانه سنتی ایرانی تفکیک فضاها به خصوصی و عمومی، شکل ارتباط بین آن‌ها و مفاهیمی چون حریم خصوصی و کنترل فضا، به الگوهای رفتاری و فرهنگی جامعه و تعریف خانواده در آن بستگی دارد (بمانیان و دیگران ۱۳۹۱، ۱۴۰). زنان از پیشینه‌های فرهنگی متفاوت می‌آیند. امروزه نادیده انگاشتن مطالعات فرهنگی و نیز اهمیت شیوه زندگی زنان در چگونگی تعریف عرصه‌های زندگی خصوصی و جمعی، به نادیده گرفتن نیازهای کاربران فضاهای زندگی منجر شده است؛ از طرفی در شهرهای امروز، فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های مختلفی همزیستی دارند و به الگوهای متفاوت خانه نیاز است. بنابراین درک ارتباط متقابل شیوه زندگی زنان و چگونگی تعریف عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی خانه‌ها در فرهنگ‌های گوناگون می‌تواند نقش مهمی در افزایش رضایت‌مندی از فضاها ایفا نماید. «تمایز، معنا و رابطه بین عرصه‌های خصوصی و عمومی در فرهنگ‌ها و دوران مختلف، تفاوت‌های زیادی باهم داشته‌اند» (مدنی‌پور ۱۳۹۴، ۱۶). یکی از این فرهنگ‌ها و جوامع، ساکنان شهر خرم‌آباد در دوره قاجار بوده‌اند. «مطالعه گذشته باعث کشف پیچیدگی‌ها و هم‌پوشانی‌ها می‌شود و مطالعه و درک فرم خانه‌ها، دامنه وسیعی از متغیرها و نمونه‌های متضاد در فرهنگ‌های مختلف به دست می‌دهد که نتیجه‌اش، شناختی وسیع‌تر از تنوع راه‌حل‌های ممکن خواهد بود» (راپوپورت ۱۳۹۸، ۲۶). لذا پژوهش پیش رو با بهره‌گیری از روش مردم‌نگاری تاریخی، به ارتباط متقابل میان شیوه زندگی زنان قوم لر و چگونگی تعریف عرصه‌های خصوصی و جمعی در خانه‌های تاریخی-قاجاری خرم‌آباد و نیز رابطه میان الگوهای فضایی خانه‌ها و حضور اجتماعی و خانگی زنان در این دوره تاریخی می‌پردازد. در راستای پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش، ابتدا مبانی نظری بیان خواهند شد، سپس با مراجعه به مدارک و اسناد، پیشینه پژوهش‌های مرتبط گردآوری و در ادامه روش پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش آورده خواهند شد.

۱. مبانی نظری پژوهش

لایه‌های گوناگون اجتماعی همچون طبقه، جنسیت و... از یکدیگر مجزا نیستند، بلکه درهم‌تنیده‌اند و «شیوه زندگی» بازتاب این لایه‌هاست. در این میان «شیوه زندگی زنان» از اهمیت خاصی برخوردار است. ترجیحات خاص جوامع، حاصل جاری بودن مفهوم شیوه زندگی بوده؛ جامع‌ومانع بودن این مفهوم، موجب عدم دستیابی به تعریف تغییرناپذیری از آن شده، به طوری که «نه تنها در درون رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی، بلکه در جامعه‌شناسی نیز برداشت‌های متفاوتی از شیوه زندگی وجود دارد» (حسنی و دیگران ۱۳۹۶، ۳۷). لذا در راستای روشن شدن مسیر پژوهش و شناخت

شاخص‌ها و مؤلفه‌ها درباره شیوه زندگی، به بررسی نظریات و دیدگاه‌ها در این زمینه پرداخته خواهد شد.

۱.۱. شیوه زندگی

بشر بُعد جدیدی خلق کرده؛ یعنی «بُعد فرهنگی» که هم‌جواری در فضا و مکان تنها بخشی از آن است (هال ۱۳۹۲، ۴). «فرهنگ» توصیفی از شیوه زندگی است که معانی و ارزش‌های خاصی را نه تنها در هنر و یادگیری، بلکه در نهادها و رفتار عادی بیان می‌کند. تحلیل فرهنگ از چنین تعریفی، تبیین معانی و ارزش‌های ضمنی و آشکار در یک شیوه زندگی خاص و یک فرهنگ خاص است (Williams 1961, 41).

آدلر^۲ نخستین کسی بود که از دیدگاه روان‌شناختی به تعریف شیوه زندگی پرداخت (اسکتین و کرن ۱۳۸۹، ۳۶). آدلر سبک زندگی را این‌گونه خلاصه می‌کند: سبک زندگی مفهومی است کلی که افزون بر هدف، در بردارنده اندیشه فرد درباره خود و دنیا و همچنین شیوه منحصربه‌فرد او در تلاش برای رسیدن به هدف، در شرایط خاص است. (همان، ۳۵) جامعه‌شناسان اغلب با دیدگاه آدلر مبنی بر «فردی بودن شیوه زندگی» موافق نبودند. امروزه گروهی از صاحب‌نظران با دیدگاهی متعادل‌تر، شیوه زندگی را پدیده‌ای اجتماعی می‌دانند و دو سطح فردی و جمعی آن را مورد مطالعه قرار می‌دهند (Veal 2000, 4; Bell and Hollows 2006, 3). بعدها نظریه‌پردازان متأخر چون بورديو^۳ و گیدنز^۴، تحلیل‌های تخصصی‌تری در این موضوع ارائه کردند. عبارت «شیوه زندگی» که ماکس سور^۵ به کار می‌برد، تمام جنبه‌های فرهنگی، مادی، معنوی و اجتماعی را که بر فرم تأثیر می‌گذارند، شامل می‌شود. ردفیلد^۶ محتوای اجتماعی-فرهنگی شیوه زندگی را چنین توضیح می‌دهد:

- فرهنگ: مجموعه اندیشه‌ها، نهادها و فعالیت‌های قراردادی و پذیرفته‌شده یک ملت.

- اخلاق: مفهوم سازمان یافته از بایدها.

- جهان‌بینی: شیوه دیدن جهان، خاص یک قوم.

- خصوصیت ملی: شخصیت یک قوم یا نوع انسانی که به‌طور معمول در این اجتماع ظاهر می‌شوند (Redfield 1953, 85).

بررسی دیدگاه‌های نظری «شیوه زندگی» نشان می‌دهد که بر محور این اصطلاح، چگونه طیفی از نظریه‌ها شکل گرفته است. در یک‌سوی این طیف، نظریه بیشتر صوری و بر در حوزه «فشر بندگی اجتماعی» و در سوی دیگر آن، نظریه بیشتر محتوایی آدلر در حوزه «شخصیت» قرار گرفته است؛ البته دیدگاه‌های دیالکتیکی زیمل نیز در این میانه جای دارد. در واقع اصلاح «سبک زندگی» در دو سنت متفاوت علمی پایه‌گذاری شده و رشد یافته است: جامعه‌شناسی و روان‌شناسی (الفت و سالمی ۱۳۹۱، ۱۸). با بررسی‌ها دیدگاه‌ها و سیر نظریات مشخص شد که نظریه‌پردازان و نظریات درباره شیوه زندگی را می‌توان به سه گروه دسته‌بندی کرد (جدول ۱):

جدول ۱: چارچوب نظری درباره شیوه زندگی

نظریه‌پردازان	نظریات درباره شیوه زندگی	شاخص‌های شناخت شیوه زندگی
آدلر ^۲	انسان‌ها را نمی‌توان به انواع تقسیم کرد. هر انسان شیوه زندگی فردی خود را دارد. بنابراین اگر شباهت‌های بین افراد در نظر گرفته شود، نتیجه بهتری حاصل خواهد شد (Adler 1997: 48). شیوه زندگی، بر تمایل فرد به حرکت از حقارت به حالت برتری دلالت دارد (Ibid: xix).	شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی: فرهنگ و هر آنچه بر جنبه‌های ذهنی و درونی شخص دلالت دارند.
زیمل ^۷	شیوه زندگی عینیت‌بخشی به تلاش‌های انسان برای یافتن ارزش‌های بنیادین یا دستیابی به یگانگی برتر خود و شناساندن آن به دیگران است (Simmel 1990, 436).	نظریاتی که بر رفتارها و فعالیت‌های عینی تمرکز داشته و نمود خارجی آن‌ها هستند. به عبارتی شیوه زندگی را می‌توان صرفاً براساس فعالیت‌ها و رفتارها بررسی نمود؛ مؤلفه‌هایی چون نوع تغذیه، سرپناه و معماری، گذراندن اوقات فراغت و تفریحات، پوشاک و نحوه لباس پوشیدن، تعامل با دیگران، ارزش‌های خانوادگی و اجتماعی، خودآرایی
کلاکهورن ^۸	شیوه زندگی مجموعه‌ها یا الگوهای خودآگاه و تکامل یافته ترجیحات فردی در رفتار.	
مک‌کی ^۹	شیوه زندگی الگویی برخاسته از ارزش‌ها و باورهای مشترک یک گروه یا جامعه است که به‌صورت رفتارهای مشترک جلوه‌گر می‌شود (McKee 1969, 81).	
بورديو ^۳	شیوه زندگی مجموعه‌ای از فعالیت‌های نظام‌مند و ناشی از ذوق و سلیقه فردی است و بیشتر جنبه عینی و بیرونی دارد و به‌صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشد و موجب تمایز اقشار مختلف اجتماعی می‌شود (Bourdieu 1984, 174-176).	
ویلن ^{۱۰} و بر ^{۱۱} گیدنز ^۴	هر دو جنبه‌های نظریه‌پردازان گروه اول و دوم را لحاظ نموده‌اند و شیوه زندگی را شامل جنبه‌های عینی یعنی رفتارها و فعالیت‌ها و همچنین ذهنی یعنی ارزش‌ها و نگرش‌های افراد و اجتماعات می‌دانند.	نظام‌ها و ساختارهای زندگی فردی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی: مؤلفه‌هایی چون نوع و شیوه تغذیه، خودآرایی و پوشاک، نوع سکونتگاه، وسایل حمل‌ونقل، شیوه گذراندن اوقات فراغت و تفریح، تعامل با خود و دیگران و با محیط پیرامون، آزادی، کیش، تولیدات و فرهنگ مصرف، کار و تلاش، توزیع قدرت و سایر.
ماکس سور ^۵	«شیوه زندگی» تمام جنبه‌های فرهنگی، مادی، معنوی و اجتماعی را که بر فرم تأثیر می‌گذارند، شامل می‌شود.	

۲.۱. عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی

تعریف واژه «خصوصی» همیشه در کنار واژه «عمومی» قرار گرفته است؛ به طوری که ظاهراً یکی بدون دیگری مفهومی ندارد. عرصه خصوصی بخشی از زندگی است که تحت کنترل فرد در ظرفیت شخصی و در خارج از دید و دانش عموم و بیرون از کنترل رسمی یا دولتی قرار دارد. بخشی از عرصه خصوصی در فضای خصوصی نمود پیدا می‌کند؛ اگرچه این امکان وجود دارد که ورای قلمروهای خصوصی را نیز در بر گیرد. عرصه خصوصی ممکن است براساس عرف جامعه شکل گیرد. حریم خصوصی ذاتی نبوده، بلکه پیامد نوعی فرایند و تبادل اجتماعی است (مدنی پور ۱۳۹۴، ۶۰). ارتباطی مستقیم بین تمایز عمومی و خصوصی با طریق‌هایی که انسان‌ها را در محیط‌های اجتماعی با یکدیگر مرتبط می‌سازد، وجود دارد. نحوه تفکیک فضا و رابطه بین عرصه‌های عمومی و خصوصی، انعکاسی از روابط اجتماعی بوده و شاخص چگونگی و نحوه سازمان‌دهی اجتماع است (همان، ۱۶). به طوری کلی سلسله مراتب عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی شش دسته‌اند (نمودار ۱):



نمودار ۱: عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی (برگرفته از چرمایف و الکساندر ۱۳۹۴، ۱۵۵-۱۵۷)

۳.۱. «خانه» محل گرد هم آمدن عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی

خانه را می‌توان به صورت فضاهای مجزا از هم در نظر گرفت که در آن، افراد با روابط صمیمی گرد هم می‌آیند و کنترل این فضاها را به منظور خلوت و آسایش به عهده می‌گیرند. اگرچه این افراد از نظر تعداد اندک‌اند، نوعی اجتماع «بین شخصی» تشکیل می‌دهند که از دنیای خلوت تک‌تک افراد از میزان کمتری از خلوت برخوردار است و فضاهای خصوصی، نیمه‌خصوصی و گاهی نیز نیمه‌عمومی را درون خانه به وجود می‌آورند. بنابراین نحوه ارتباط افراد ساکن خانه با یکدیگر دارای صورت‌های گوناگون و در نتیجه، فضاهای مورد استفاده آن‌ها برای برقراری این روابط، سطوح مختلفی از حریم خصوصی را در برمی‌گیرد (Ben and Gaus 1983). بسته به اینکه رضایت شخصی و تقویت هویت شخصی محور سازوکارهای رفتاری باشد یا تمایلات گروهی مد نظر باشد، عادات و شکل‌های استفاده از فضا متفاوت خواهد بود (Howell and Tentokali 1989). در هر دوره زمانی، رابطه بین فضای عمومی و خصوصی خانه شکل‌های متفاوتی به خود گرفته و در تمام موارد تمایزی میان بخش عمومی و خصوصی درون خانه وجود دارد؛ اگرچه امکان دارد این تمایز در فرم‌های فیزیکی و خصوصیات عملکردی متبلور نشده باشد. سازمان‌دهی فضای درون خانه، از دنیای بیرون و حوزه عمومی تأثیر می‌پذیرد و خانه نمی‌تواند به‌عنوان فضایی کاملاً خصوصی تلقی شود (مدنی پور ۱۳۹۴، ۹۸)

۲. روش انجام پژوهش

انتخاب روش انجام پژوهش وابسته به هدف، ماهیت موضوع و امکانات اجرایی آن است. لذا با توجه به موضوع سعی شده است در پژوهشی کیفی و با استفاده از روش مردم‌نگاری تاریخی به سؤالات پژوهش پاسخ داده شود. مردم‌نگاری به معماران و طراحان می‌آموزد که چگونه فعالانه به دانش مردم در مورد فرهنگ خود گوش دهند. این رویکرد به ارزش‌ها و کیفیت‌ها ساختار می‌بخشد. البته معماری، فضا و مکان را می‌توان با استفاده از روش‌های مختلف مورد مطالعه قرار داد؛ لیکن روش‌های مردم‌نگاری (شناختی یا معنایی و تاریخی) برای معماری، کاربردی هستند و نیز رویکرد باز و استقرایی آن‌ها برای مطالعه اجتماعی موضوعات جدید مناسب است (Cranz 2016, xii- xiii). مردم‌نگاری تاریخی، بازسازی هم‌زمان فرهنگ گذشته با استفاده از اسناد مکتوب معاصر و تاریخ‌های قومی دیرینه و تاریخ عامیانه، از تاریخ اقوام متمایز می‌شود. مردم‌نگاری تاریخی همچنین، بهره‌برداری از وابستگی‌های متقابل با تبادل روش‌ها (نقد مستند و کار میدانی) و دیدگاه‌ها (گذشته مردم، خانواده و همچنین تاریخ سیاسی) است (Douglas and Di Rosa 2020, 9-12). هادسون^{۱۲} معتقد بود مردم‌نگاری تاریخی، توجه به تاریخ عامه و باورهای خود مردم درباره گذشته خود است (همان، ۸). مردم‌نگاری تاریخی اصولی که خلاقانه با تاریخ فرهنگی درگیر است، می‌تواند مفهوم فرهنگ را احیا کند و رویه مردم‌نگاری «نئومدرن» را ایجاد کند و نیز وحدت و تنوع هم‌زمان فرایندهای اجتماعی را درک کند (Pritchard 1961).

۳. جامعه آماری

شهر خرم‌آباد در دوره قاجار محدود به پیرامون قلعه فلک‌الافلاک بوده است. در همه حمل‌هایی که به لرستان می‌شد، هدف نهایی، مهاجمان شهر خرم‌آباد بود؛ زیرا بر سر راه‌های مواصلاتی و اصلی کاروانی قرار داشت. این شهر پیش از ورود قوای غرب در سال ۱۲۹۹ خورشیدی، مشتمل بر تعداد ۷۸۰ دستگاه خانه و جمعیت آن کمی بیشتر از هشت هزار نفر بود (والی‌زاده معجزی ۱۳۸۰، ۳۵). از گذشته‌های دور تا چند دهه پیش، بخش مهمی از محدوده شهر را صدها باغ تشکیل می‌داد. گستره این باغات ده‌ها برابر بیشتر از مساحت و محدوده شهر بود که شرح آن‌ها در سفرنامه‌ها و در آثار مورخان آمده است. آب فراوان چشمه‌ها، قنات‌ها و نهرهای درون و برون شهر و نیز احاطه شدن شهر توسط ارتفاعات، وجود جنگل‌ها و مراتع از ویژگی‌های جغرافیایی خرم‌آباد بوده‌اند (تصاویر ۱ و ۲).

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۴ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۸۱



تصویر ۲: دورنمایی از شرق خرم‌آباد، بخشی از باغات و ارگ حکومتی و پل تاریخی

تصویر ۱: دورنمایی از جنوب خرم‌آباد

تصاویر خرم‌آباد که از فراز قلعه فلک‌الافلاک توسط جلیل‌الدوله قاجار در سال ۱۲۷۹ش عکس‌برداری شده‌اند: آرشیو کاخ‌موزه گلستان و نیز مرکز اسناد میراث فرهنگی لرستان

امروزه بسیاری از خانه‌های دوره قاجار، شهر و یا برخی از جبهه‌های آن‌ها از بین رفته، لذا با بررسی منابع مکتوب و تصویری و پژوهش‌های میدانی، اسناد معماری بخش‌های تخریب‌شده بازسازی و ترسیم شده‌اند تا بتوان شیوه زندگی

زنان را در ارتباط با ساختار نخستین خانه‌ها مورد مطالعه قرار داد. از ۶۷ خانه‌هایی که توسط میراث فرهنگی استان شناسایی شده‌اند، ۱۷ خانه دارای معماری قاجار بوده‌اند. از این تعداد، اسناد معماری ۱۰ خانه که دارای شرایط ذیل بودند تهیه شد: ۱. متعلق به اقشار مختلف جامعه بوده باشند؛ ۲. در محله‌های متفاوت شهر واقع شده باشند؛ ۳. مصاحبه با کهنسالانی که اجداد آنان مالکان خانه‌های مورد پژوهش بوده‌اند، امکان‌پذیر باشد؛ ۴. مالکان نخستین خانه‌ها، سازندگان بناها بوده باشند. سپس به معرفی خانه‌ها و فضاهای آنان پرداخته خواهد شد. برای شناخت شیوه زندگی زنان خرم‌آباد در دوره قاجار، به روش اسنادی، به بررسی منابع پرداخته شده و از آنجاکه «آنچه در ارتباط با فرم مصنوع مهم است، شکل فرهنگی پاسخ به نیازهاست» (راپاپورت ۱۳۹۸، ۹۳)، با مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته با زنان و مردان کهنسال ساکن در این خانه‌ها، با طرح مباحثی چون چگونگی زندگی فردی و اجتماعی زنان، روابط همسایگی، چگونگی ارتباط با مهمان‌ها، مکان و زمان انجام فعالیت‌های جمعی، آداب‌ورسوم و ارتباط این مباحث با فضاهای خانه‌ها، به گردآوری بخشی از داده‌ها اقدام شد. فضاها، عملکردها و شیوه زندگی زنان در خانه‌های مورد پژوهش، بررسی و پس از تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از فرایندهای فوق، یافته‌ها مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.

۴. پیشینه پژوهش

به‌منظور برقراری ارتباط منطقی میان اطلاعات پژوهش‌های پیشین با مسئله پژوهش و نیز کسب بینش نسبت به جنبه‌های مختلف موضوع، به بررسی منابع نزدیک به مسئله پژوهش اقدام شده است. پژوهش‌ها در سه دسته طبقه‌بندی شده‌اند: مواردی که به شیوه زندگی و زنان ایران پرداخته‌اند؛ پژوهش‌هایی که به شیوه زندگی در خانه‌های دوره قاجار اختصاص دارند و مواردی که به شیوه زندگی زنان در لرستان یا خرم‌آباد و مطالعه خانه‌های تاریخی آن پرداخته‌اند.

۴.۱. شیوه زندگی و زنان ایران

ورمقانی و سلطان‌زاده (۱۳۹۸) در پژوهشی تطبیقی، نقش جنسیت و فرهنگ معیشتی در شکل‌گیری خانه (مقایسه خانه‌های قاجاری گیلان و بوشهر را مورد بررسی قرار داده‌اند و با بیان اینکه جنسیت، بیانگر هویت اجتماعی و فرهنگی زن و مرد در جامعه است، به بررسی درجه اهمیت، ابعاد و مؤلفه‌های جنسیت در شکل‌دهی به مسکن سنتی پرداخته‌اند. ارمغان و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تاریخی، به بازتعریف نقش زن در خانواده و تأثیر آن بر تربیت‌نقاشی و ساختار خانه‌های اعیانی تهران در دوره قاجار پرداخته‌اند. نتایج نشان داده‌اند ظاهر شدن زنان در جامعه که پیش‌تر پوشیده و پنهان بودند و کم‌رنگ شدن مرزهای زنانه-مردانه باعث ایجاد تغییر در فرهنگ زندگی شد. ورمقانی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تاریخی-تفسیری، رابطه جنسیت و فضا در عرصه‌های خصوصی و عمومی دوره قاجار را بررسی کرده‌اند و در پی پاسخگویی به چگونگی تأثیرپذیری ویژگی‌های فضایی از هویت جنسیتی و نحوه استفاده از عرصه‌های خصوصی و عمومی در دوره قاجار بوده‌اند. ارمغان (۱۳۹۳) در رساله‌ای با روش کیفی و تفسیری-تاریخی تحول معماری داخلی و فرهنگ زندگی در عمارت‌های اعیانی دوره قاجار (کاخ‌ها و خانه‌های تهران) را مورد پژوهش قرار داده‌اند. یافته‌ها نشان داده‌اند که تغییرات فرهنگی روی‌داده شامل ایجاد نوعی زندگی نمایشی التقاطی، تغییر شیوه زندگی، سست شدن مرزهای زنانه و مردانه، بازتعریف زن در جامعه و تغییر ساختار خانواده بوده است.

۴.۲. شیوه زندگی در خانه‌های دوره قاجار

محمدزاده و همکاران (۱۴۰۱) «بازتاب جنسیت و سبک زندگی در خانه‌های دوره قاجار اردبیل» را با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تاریخی-تفسیری مورد پژوهش قرار داده و مکان مطبخ را به‌عنوان محور در نظر گرفته‌اند. بازایی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی ترکیبی، تغییرات سبک زندگی و تأثیرات آن بر کالبد معماری و بیکره‌بندی فضایی خانه‌های بومی دوره قاجار و پهلوی شیراز را بررسی کرده‌اند. مرتاض هجری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی کیفی، به بررسی روابط متقابل سبک زندگی و سازمان فضایی خانه‌های شهرستان رشت پرداخته‌اند. مهری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی کیفی و روش توصیفی-تحلیلی، تأثیر شیوه زندگی بر روابط فضایی خانه‌های اعیان‌نشین

دوره قاجار در مازندران را بررسی کرده‌اند. فاریابی و یزدانفر (۱۳۹۹) در پژوهشی توصیفی-تحلیلی، تأثیر شیوه زندگی بر سازمان فضایی خانه‌های شهرستان کرمان را بررسی کرده‌اند. مداحی و معماریان (۱۳۹۷) در پژوهشی توصیفی-تحلیلی و تطبیقی، خوانش پیوند سازمان فضایی خانه و شیوه زندگی در معماری بومی شهر بشرویه را بررسی کرده‌اند. بمانیان و زندی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «مسکن ایرانی و سبک زندگی» به احیای نقش سبک زندگی ایرانی اسلامی در مسکن ایرانی به‌عنوان یکی از پشتوانه‌های اصلی فرهنگ و تمدن ایران کهن پرداخته‌اند. یزدانفر و ضراب‌الحسینی (۱۳۹۴) در پژوهشی کیفی و مردم‌نگارانه، تأثیر شیوه زندگی بر سازمان فضایی خانه‌های شهرستان ارومیه را بررسی کرده‌اند.

۳.۴. شیوه زندگی زنان در لرستان و مطالعه خانه‌های تاریخی خرم‌آباد

با توجه به رابطه نزدیک این بخش با موضوع مورد پژوهش، پژوهش‌های مرتبط مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ناصری و امینی‌فارسانی (۱۴۰۱) در پژوهشی کمی، بهینه‌یابی فرم سایبان برای بازشوهای خانه‌های سنتی شهر خرم‌آباد را با استفاده از نرم‌افزار Ecotec Analysis (نمونه موردی: خانه کشفی) مورد پژوهش قرار داده‌اند. ناصری و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی کمی با استفاده از روش تحلیل آماری، به بررسی نظریه‌های سیستم تنظیم تناسبات در خانه‌های دوره قاجار خرم‌آباد پرداخته‌اند. در این پژوهش، تعدادی از خانه‌های قاجار خرم‌آباد مانند خانه رحیمی، خانه آخوند ابو، خانه کشفی، خانه ابراهیمی، خانه عصاره، خانه خورشیدی، خانه جزایری به‌عنوان نمونه بررسی شده‌اند. مؤمنی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی کیفی و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی تطبیقی ویژگی‌های تزیینات اجرکاری خانه آخوندابو خرم‌آباد و خانه سوزنگر دزفول پرداخته‌اند. محمدزاده و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی کیفی و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، تأثیرات ویژگی‌های فرهنگی بر چگونگی استقرار مطبخ در خانه‌های قاجاری خرم‌آباد و اردبیل را بررسی کرده‌اند. بابایی (۱۳۹۸) در پژوهشی کیفی «تغییر نقش اجتماعی و اقتصادی زنان در استان لرستان در دوران معاصر»، به بررسی ارمغان مدرنیته برای زنان لرستانی و تأثیر آن در شرایط اجتماعی و اقتصادی آنان پرداخته است. یوسفوند و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی کیفی و با رویکرد تحلیل نظریه زمینه‌ای «فهم معنایی زن از مدرنیزاسیون در جامعه محلی لرستان»، جایگاه و شأن زنان لرستان را در فرازوفرودهای مدرنیزاسیون مورد پژوهش قرار داده‌اند.

۵. خانه‌های مورد پژوهش و فضاهای کالبدی آنان

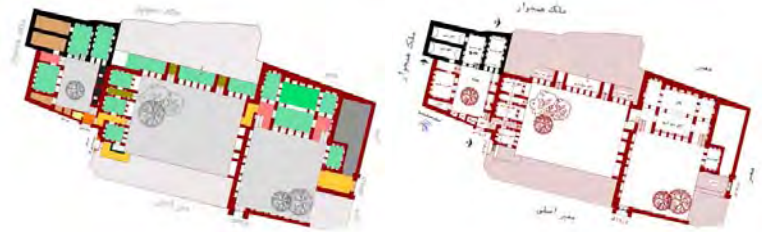
ده خانه براساس اولویت‌های مطرح‌شده در روش پژوهش انتخاب شدند که اسناد معماری آنان و همچنین فضاهای کالبدی و برخی ویژگی‌های مهم آنان در جدول ۲ آمده است. فضاهای کالبدی عبارت‌اند از: حیاط، پیرنشین، هشتی، دالان، ایوان، مهتابی، طارمی، پله‌ها، پستو، اتاق‌های دودری، اتاق‌های سه‌دری، اتاق‌های پنج‌دری، اتاق روضه‌خوانی و حسینیه، اتاق بالاخانه در بام خانه‌ها در امتداد پلکان بام، مطبخ، تژگاه، زیرزمین، حوض، بادگیر، حوض‌خانه، گرمابه، آبریزگاه، چاه آب، نهر آب، انبار، محل نگهداری هیزم و زغال و مواد سوختی، محل نگهداری برخی پرندگان، محل نگهداری چهارپایان؛ البته کل این فضاها در تمام نمونه‌های موردی وجود نداشته‌اند.

جدول ۲: نمونه‌های مورد پژوهش و فضاهای کالبدی آنان

راهنمای نقشه‌ها	
تخریب‌شده، بازسازی و ترسیم با توجه به منابع تصویری تاریخی، نقشه‌های سازمان نقشه‌برداری کشور سال ۱۳۳۵ و ۱۳۵۵ خورشیدی، مصاحبه با مالکان و پژوهش‌های میدانی: توسط نگارندگان. برداشت اسناد توسط نگارندگان.	پستو
میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری لرستان: برداشت کنندگان خانه‌ها (خانه کشفی): عطا حسن پور، صمیمی‌نسب؛ خانه ابوالقاسمی: حسن پور؛ خانه جزایری: محمدی اصل؛ مطبخ خانه سید رضا تفرشی: محمدی اصل؛ خانه عیسی‌زاده: محمدی اصل	طارمی
	ایوان
	مطبخ
	تژگاه
	مهتابی
	حوض
	چاه
	نهر
	باغچه
	جمعه پله
	هشتی
	دالان
	آبریزگاه
	حیاط
	اتاق
	تالار



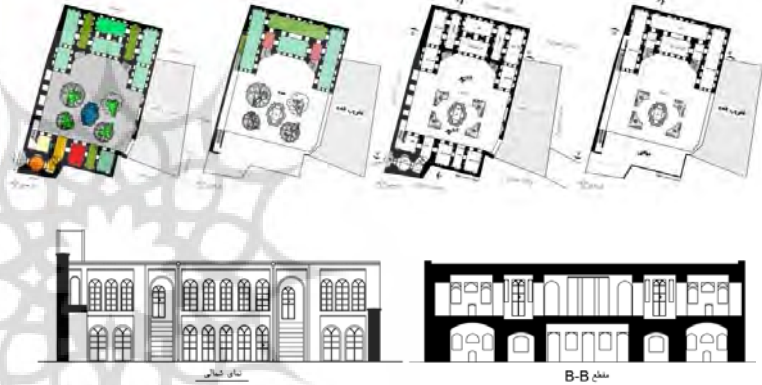
خانه حاکم خرم‌آباد در دوره ناصری و اهل تفرش. مساحت نخستین: ۲۰۳۰ متر مربع. دارای ورودی به بیرونی، اندرونی، مطبخ‌خانه، دالان‌های زاویه‌دار و پیرنشین. فاقد راه ارتباطی با خانه‌های هم‌جوار.



خانه نسیب رضا تفرشی



خانه قاضی خرم‌آباد در دوره ناصری و اهل خوزستان. مساحت نخستین: ۹۵۰ متر مربع. دارای دو ورودی: ورودی اندرونی، بیرونی. دالان زاویه‌دار و پیرنشین. فاقد زیرزمین. جبهه شمالی دوطبقه. جبهه جنوبی یک‌طبقه. فاقد راه ارتباطی با خانه‌های هم‌جوار.



خانه قاضی آخوند ابو



مساحت نخستین: ۶۲۰ متر مربع، باقی‌مانده ۱۸۰ متر مربع. دو ورودی: اندرونی و بیرونی به دفترخانه مالک. فاقد راه ارتباطی با خانه‌های هم‌جوار. دارای دالان‌های مستقیم و عریض. فاقد پیرنشین. جبهه شمالی و جنوبی دوطبقه. دارای چاه آب در حیاط خانه.



خانه جزایری



مساحت نخستین ۴۶۰ متر مربع، دارای یک ورودی، هم‌چوار با کاروانسرای سید رضا تفرشی در دو جبهه غربی و جنوبی، دالان مستقیم و عریض، فاقد پیرنشین، دسترسی به حیاط همسایه در جبهه شرقی، جبهه‌های شمالی و جنوبی دوطبقه، دسترسی به واحدهای تجاری مالک از دالان جبهه شمالی، چاه آب در دالان.

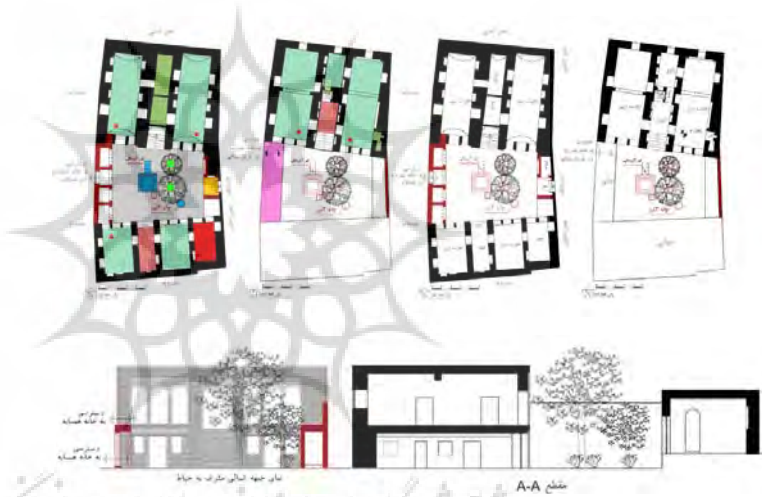


خانه الماسیان

۴



مساحت ۳۳۷ متر مربع، دارای یک ورودی، دو راه ارتباطی با همسایه در جبهه غربی در حیاط و طبقه اول، دالان مستقیم، فاقد پیرنشین، جبهه شمالی دوطبقه و جنوبی یک طبقه.



خانه عیسی زاده

۵



مساحت ۲۲۵ متر مربع، دارای یک ورودی، فاقد راه ارتباطی با همسایه‌های مجاور، دالان مستقیم و عریض، فاقد پیرنشین، جبهه شمالی دوطبقه و سایر جبهه‌ها یک طبقه.



خانه ابوالقاسمی

۶



مساحت ۶۱۰ متر مربع، باقی مانده ۱۹۵ متر مربع. دارای یک ورودی که به حیاط خانه و دباغ خانه صاحب خانه دسترسی داشته. دالان غیرمستقیم، فاقد پیرنشین و راه ارتباطی با خانه های هم جوار. دارای دو حیاط، دوطبقه و دارای اتاق بالاخانه در بام جبهه شمالی. نهر درون شهری در حیاطها.

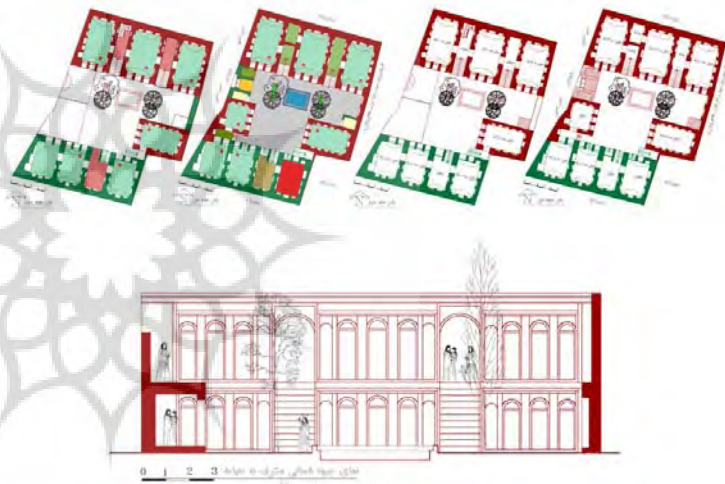


خانه عبدالله کسبی

۷



مساحت نخستین: ۴۸۰ متر مربع، مساحت باقی مانده ۱۵۵ متر مربع. دارای یک ورودی. دالان مستقیم و عریض، فاقد پیرنشین. جبهه شمال و جنوب در دوطبقه. دارای دسترسی به نهر درون شهری و چاه آب.

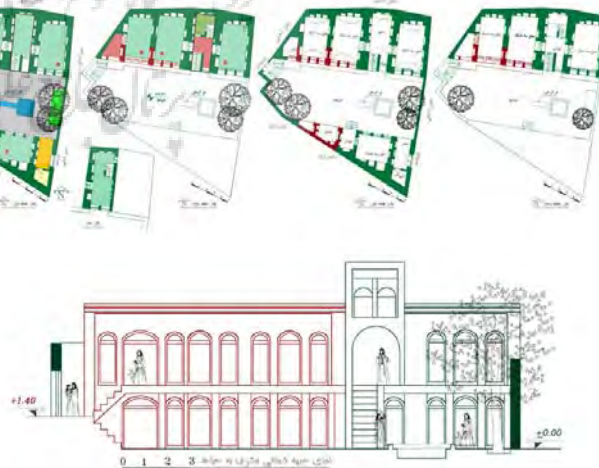


خانه سلاخورزی

۸



مساحت: ۳۳۰ متر مربع. دارای دو ورودی به معبر اصلی در جبهه شرقی و غربی. دالان مستقیم و عریض، فاقد پیرنشین. زیرزمین در جبهه جنوبی. فاقد راه ارتباطی با خانه های هم جوار. دسترسی به نهر در حیاط.



خانه صارمی

۹



مساحت ۱۶۰ متر مربع، دارای یک ورودی، یک راه ارتباطی با همسایه مجاور در جبهه شرقی، فاقد دالان و پیرنشین و زیرزمین، جبهه شمالی دوطبقه و سایر جبهه‌ها یک طبق.



(خانه ملکی)

۶. شیوه زندگی زنان خرم‌آباد

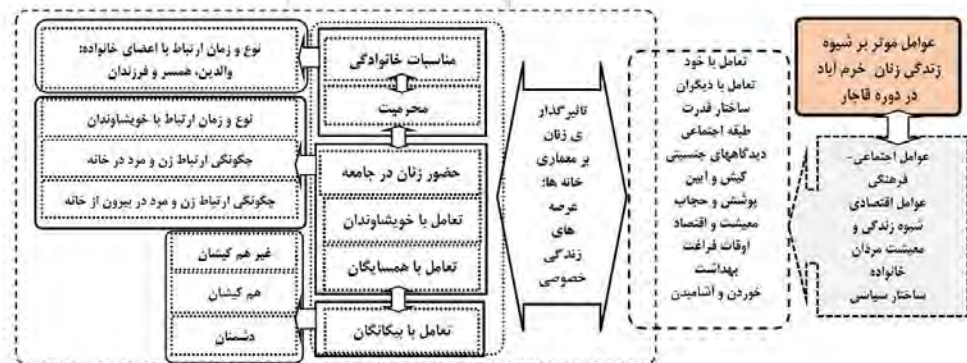
۱. عوامل مؤثر بر شیوه زندگی زنان خرم‌آباد در دوره قاجار

در معماری اساسی‌ترین عامل «مردم» هستند. مردم نه تنها از نظر جمعیت‌شناسی، تعداد، جنس و نکاتی مانند آن در معماری اهمیت دارند و باید در تحلیل‌های معماری شناسایی شوند، بلکه نیازها، خواست‌ها، عادات، اعتقادات، باورها و شیوه زندگی آن‌ها نیز در معماری اهمیت فوق‌العاده و اساسی دارد (چرمایف و الکساندر ۱۳۹۴، ۱۳). انتخابی که مردم در هر محیط می‌کنند، متأثر از جامعه و فرهنگ آن محیط است و به ویژگی‌هایی برمی‌گردد که فرد در طول زندگی با خود همراه می‌سازد. فرهنگ، توصیفی از شیوه خاصی از زندگی است که معانی و ارزش‌های خاصی را نه تنها در هنر و یادگیری، بلکه در نهادها و رفتار عادی بیان می‌کند. سازمان تولید و معیشت، ساختار خانواده، ساختار نهادهایی که روابط اجتماعی را بیان می‌کنند یا حاکم می‌کنند، شیوه‌های مشخصی که اعضای جامعه از طریق آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند، همگی بر شیوه زندگی و تحلیل آن تأثیر گذارند (Williams 1961, 41). بررسی عوامل تأثیرگذار بر شیوه زندگی زنان خرم‌آباد در دوره قاجار نشان می‌دهد علاوه بر تأثیرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی، ساختار سیاسی و همچنین اقتصادی و معیشت بر شیوه زندگی زنان، شیوه زندگی و معیشت و درآمد مردان نیز بر شیوه زندگی زنان مؤثر بوده و به عبارتی رابطه متقابلی میان شیوه زندگی زنان خرم‌آباد با شیوه زندگی مردان وجود داشته است؛ به طوری که بازتاب آن را می‌توان در تمام سطوح زندگی خانوادگی و اجتماعی مشاهده کرد (نمودار ۲).

مطالعه معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۴ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۸۷



نمودار ۲: عوامل مؤثر بر شیوه زندگی زنان خرم‌آباد در دوره قاجار

۱.۱.۶. شیوه زندگی زنان خرم‌آباد در دوره قاجار

با بررسی منابع تاریخی مانند سفرنامه‌های سیاحان، کتب تاریخی و منابع تصویری، جنبه‌هایی از شیوه زندگی زنان مشخص گردید. این منابع در مورد شیوه زندگی، اغلب به نوع فعالیت‌های زنان و مردان و زمان آنان اشاره داشته و در مورد نحوه انجام این فعالیت‌ها و مکان آنان، اطلاعات کمتری را بازتاب می‌دهند. لذا بخش دیگری از شناخت شیوه زندگی زنان، چگونگی انجام فعالیت‌ها و مکان آنان از طریق مصاحبه میسر شد.

۲.۱.۶. شیوه زندگی زنان براساس منابع تاریخی

پژوهش درباره شیوه زندگی زنان لرستان، بدون در نظر گرفتن شیوه زندگی مردان، کامل و جامع نخواهد بود و میان این دو ارتباط متقابل وجود دارد. بنابراین در برخی مواقع هر دو مورد در کنار یکدیگر دیده شده‌اند. برخی از فعالیت‌های اقتصادی و شیوه معیشت و زندگی زنان و مردان لرستان در طی شبانه‌روز و سالانه که در گزارش‌ها و منابع ثبت شده است، به این شرح‌اند: تهیه اطعمه و اقمشه و آذوقه طوایف و شهر به عهده زنان است (قاسمی ۱۳۹۰). تهیه سیاه‌چادر، ساختن انواع یراق اسب (راولینسون ۱۳۶۲، ۱۵۵)، پشم‌چینی، پشم‌شویی، پشم‌ریسی، رنگرزی، قالی‌بافی، تهیه زیراندازهای نمدی، پوشش‌های نمدی مخصوص اسب‌ها، پارچه‌بافی، خیاطی، خورجین‌دوزی (ادموندز، دوبد، و مینورسکی ۱۳۶۲، ۱۷۸؛ سیاح محلاتی ۱۳۴۶، ۲۳۵؛ بیشوپ ۱۳۷۵، ۵۲؛ استارک ۱۳۶۴، ۴۳)، تهیه هیزم و زغال، ساخت چپق، تهیه و فروش پوست سمور، محصولات باغی به‌خاطر وجود باغات انگور، گردو، انار، سیب، زردآلو، به، آلبالو، تولید انواع کشمش و تهیه میوه‌های خشک، رب انار (ادموندز، دوبد، و مینورسکی ۱۳۶۲، ۱۶۵؛ افشار ۱۳۸۲، ۱۴۳؛ سیاح محلاتی ۱۳۴۶، ۲۳۵؛ کرزن ۱۳۷۳، ۳۳۹؛ بیشوپ ۱۳۷۵، ۵۲؛ ویلسون ۱۳۴۷، ۳۰۰) تولید گوشت گوسفند و بز، پنیر، کره، روغن حیوانی، دوغ، کشک، ماست، پرورش قاطر (ادموندز، دوبد، و مینورسکی ۱۳۶۲، ۱۸۱؛ سیاح محلاتی ۱۳۴۶، ۲۳۵؛ کرزن ۱۳۷۳، ۳۳۹؛ بیشوپ ۱۳۷۵، ۵۲)، کشت انواع صیفی‌جات، گندم و برنج، ذرت، انواع حبوبات، شکار پرندگانی چون بلدرچین، تیهو، کبک و دراج، شکار بز کوهی و آهو، استخراج سرب و تهیه مهمات (افشار ۱۳۸۲، ۱۴۳؛ سیاح محلاتی ۱۳۴۶، ۲۳۵؛ بیشوپ ۱۳۷۵، ۵۲؛ همدانی ۱۳۵۴، ۱۴۷) تهیه مازو از درختان بلوط، کتیرا، (ویلسون ۱۳۴۷، ۳۰۰) پخت انواع نان محلی برای مصرف خانواده و فروش (نجم‌الدوله ۱۳۸۶، ۶۳)، نظام اقتصادی و شیوه زندگی مردمان لرستان و به‌خصوص زنان، بیان‌کننده نوعی آمیختگی میان فعالیت‌های روزانه و اشتغال آنان بوده و حجم بالایی از فعالیت‌ها و تولیدات را زنان انجام می‌داده‌اند؛ درعین حال تهیه بسیاری از محصولات نیز به فعالیت‌های مشترک زنان و مردان نیازمند بوده تا به محصول نهایی منتهی شود. این همکاری در عین تقسیم کار، موجب برقراری تعادل نسبی قدرت بین آنان و نوعی همبستگی و ازطرفی موجب افزایش نقش زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و امور اجتماعی بوده و نیز در بسیاری موارد، به اختیار تقریباً کامل دختران و زنان بر دارایی‌ها و درآمدهای خود منجر می‌شده است. برافروختن آتش تڑگاه برای تهیه چای و صبحانه، تهیه خمیر و پختن نان، پشم‌ریسی، قالی‌بافی، پارچه‌بافی، خورجین‌دوزی، گیوه‌بافی و آژیهدوزی^{۱۴} توسط زنان انجام می‌شده است. تهیه آب مصرفی خانواده به عهده زنان و تهیه هیزم و مواد سوختی به عهده مردان خانواده بوده است. بسیاری از مردان لرستان مدت‌هایی از سال را خارج از شهر و یا محل زندگی خود به دلایلی چون تجارت، کشاورزی، کوچ، تولید برخی اقلام درآمدزا و شرکت در جنگ‌ها به سر می‌برده‌اند؛ بنابراین اختیار بسیاری از امور زندگی، تصمیم‌گیری‌ها به عهده زنان بوده است. خرم‌آباد فصل‌هایی از سال را میزبان مردمان عشایر و روستایی بوده است. این افراد دارای وابستگی‌های خانوادگی و قومی با برخی از مردمان شهر بوده‌اند؛ به‌طوری‌که براساس منابع یا در خانه اقوام و بستگان اقامت داشته‌اند یا دارای خانه شخصی و همین مرادوات اجتماعی میان زنان عشایر و روستا با زنان شهری، سبب تأثیر متقابل آنان بر یکدیگر بوده تا جایی که برخی هنرها مانند فرش‌بافی را زنان شهری از زنان روستایی و عشایر یاد گرفته و جاجیم‌بافی و پارچه‌بافی را زنان عشایر از زنان شهری و روستایی آموخته بودند.

۳.۱.۶. شیوه زندگی زنان خرم‌آباد براساس مصاحبه‌ها

علاوه بر منابع تاریخی، بخشی از داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با افرادی که گرچه برخی از آنان

به لحاظ بُعد زمانی در دوره قاجار زندگی نکرده بودند، تجربه زندگی در خانه‌های مورد پژوهش را داشته و شیوه زندگی زنان، به ویژه مادر و مادر بزرگ‌ها و پدر و پدربزرگ‌های خود را دیده یا شنیده بودند، به دست آمد. با توجه به اینکه شیوه زندگی زنان و مردان خرم‌آباد دارای ارتباط متقابل بوده، علاوه بر زنان، با مردان نیز مصاحبه انجام شد. تعداد نفر از افراد شرکت‌کننده در مصاحبه خانم بودند که با کدهای A1-A6 مشخص شده‌اند و متولدين بازه زمانی بین سال‌های ۱۳۲۱-۱۲۸۹ شمسی بودند و تعداد ۵ نفر از شرکت‌کنندگان در مصاحبه نیز آقا بودند که با کدهای B1-B5 مشخص شده‌اند و متولدين بازه زمانی بین سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۱۰ شمسی را شامل می‌شدند. طی مصاحبه، سؤالات و مباحثی درباره شیوه زندگی زنان و مردان با محوریت موضوعاتی که در تصویر ۴ با عنوان «عوامل مؤثر بر شیوه زندگی زنان خرم‌آباد در دوره قاجار» به آنان اشاره شده است، مطرح شدند. مصاحبه‌شوندگان حین مصاحبه زوایای دیگری از شیوه زندگی زنان را مطرح می‌کردند. به منظور سنجش دقت مصاحبه‌شوندگان، برخی سؤال‌ها به صورت تکراری ولی به شیوه‌های گوناگون مطرح می‌شدند. در ادامه، فعالیت‌های زنان و فضای کالبدی متناسب آنان که در بررسی منابع تاریخی و مصاحبه‌ها به دست آمده است، آورده شده‌اند (جدول ۳).

جدول ۳: فعالیت‌های زنان در زندگی و فضای کالبدی-زمانی متناسب با فعالیت‌ها (رنگ‌های به کاررفته متناسب با راهنمای جدول ۲ هستند).

فعالیت‌ها		فضاهای کالبدی	
۱	پوشیدن	۱	خارج از خانه
۲	پوشیدن لباس خانه	۲	فضاهای بسته خانه همسایه
۳	تخت‌های پیرامون بافتیچه و عوض	۳	فضاهای نیمه‌باز خانه خود
۴	پوشیدن	۴	فضاهای باز خانه همسایه
۵	تعداد فعالیت‌ها در فضاها	۵	فضاهای بسته خانه خود
۶	شرح فعالیت‌ها	۶	فضاهای باز خانه همسایه
۷	شانه کردن گیسوان	۷	فضاهای بسته خانه خود
۸	پوشیدن پوشش روسری سنتی	۸	فضاهای باز خانه همسایه
۹	شستن دست‌ها و صورت	۹	فضاهای بسته خانه خود
۱۰	محل عبادت	۱۰	فضاهای باز خانه همسایه
۱۱	برافروختن آتش	۱۱	فضاهای بسته خانه خود
۱۲	تهیه خمیر برای پخت نان	۱۲	فضاهای باز خانه همسایه
۱۳	تهیه صبحانه	۱۳	فضاهای بسته خانه خود
۱۴	جمع کردن رختخواب‌ها	۱۴	فضاهای باز خانه همسایه
۱۵	نگهداری رختخواب‌ها	۱۵	فضاهای بسته خانه خود
۱۶	تهیه چای	۱۶	فضاهای باز خانه همسایه
۱۷	گرم نگه داشتن چای	۱۷	فضاهای بسته خانه خود
۱۸	گرم کردن نان صبحانه	۱۸	فضاهای باز خانه همسایه
۱۹	صرف صبحانه	۱۹	فضاهای بسته خانه خود
۲۰	شست‌وشوی ظروف	۲۰	فضاهای باز خانه همسایه
۲۱	خشک کردن ظروف	۲۱	فضاهای بسته خانه خود
۲۲	محل نگهداری ظروف	۲۲	فضاهای باز خانه همسایه
۲۳	محل پختن نان	۲۳	فضاهای بسته خانه خود
۲۴	تهیه آب آشامیدنی	۲۴	فضاهای باز خانه همسایه
۲۵	نگهداری آب آشامیدنی	۲۵	فضاهای بسته خانه خود
۲۶	شست‌وشوی لباس‌ها	۲۶	فضاهای باز خانه همسایه
۲۷	خشک کردن لباس‌ها	۲۷	فضاهای بسته خانه خود
۲۸		۲۸	فضاهای باز خانه همسایه
۲۹		۲۹	فضاهای بسته خانه خود
۳۰		۳۰	فضاهای باز خانه همسایه
۳۱		۳۱	فضاهای بسته خانه خود
۳۲		۳۲	فضاهای باز خانه همسایه
۳۳		۳۳	فضاهای بسته خانه خود
۳۴		۳۴	فضاهای باز خانه همسایه
۳۵		۳۵	فضاهای بسته خانه خود
۳۶		۳۶	فضاهای باز خانه همسایه
۳۷		۳۷	فضاهای بسته خانه خود
۳۸		۳۸	فضاهای باز خانه همسایه
۳۹		۳۹	فضاهای بسته خانه خود
۴۰		۴۰	فضاهای باز خانه همسایه
۴۱		۴۱	فضاهای بسته خانه خود
۴۲		۴۲	فضاهای باز خانه همسایه
۴۳		۴۳	فضاهای بسته خانه خود
۴۴		۴۴	فضاهای باز خانه همسایه
۴۵		۴۵	فضاهای بسته خانه خود
۴۶		۴۶	فضاهای باز خانه همسایه
۴۷		۴۷	فضاهای بسته خانه خود
۴۸		۴۸	فضاهای باز خانه همسایه
۴۹		۴۹	فضاهای بسته خانه خود
۵۰		۵۰	فضاهای باز خانه همسایه
۵۱		۵۱	فضاهای بسته خانه خود
۵۲		۵۲	فضاهای باز خانه همسایه
۵۳		۵۳	فضاهای بسته خانه خود
۵۴		۵۴	فضاهای باز خانه همسایه
۵۵		۵۵	فضاهای بسته خانه خود
۵۶		۵۶	فضاهای باز خانه همسایه
۵۷		۵۷	فضاهای بسته خانه خود
۵۸		۵۸	فضاهای باز خانه همسایه
۵۹		۵۹	فضاهای بسته خانه خود
۶۰		۶۰	فضاهای باز خانه همسایه
۶۱		۶۱	فضاهای بسته خانه خود
۶۲		۶۲	فضاهای باز خانه همسایه
۶۳		۶۳	فضاهای بسته خانه خود
۶۴		۶۴	فضاهای باز خانه همسایه
۶۵		۶۵	فضاهای بسته خانه خود
۶۶		۶۶	فضاهای باز خانه همسایه
۶۷		۶۷	فضاهای بسته خانه خود
۶۸		۶۸	فضاهای باز خانه همسایه
۶۹		۶۹	فضاهای بسته خانه خود
۷۰		۷۰	فضاهای باز خانه همسایه
۷۱		۷۱	فضاهای بسته خانه خود
۷۲		۷۲	فضاهای باز خانه همسایه
۷۳		۷۳	فضاهای بسته خانه خود
۷۴		۷۴	فضاهای باز خانه همسایه
۷۵		۷۵	فضاهای بسته خانه خود
۷۶		۷۶	فضاهای باز خانه همسایه
۷۷		۷۷	فضاهای بسته خانه خود
۷۸		۷۸	فضاهای باز خانه همسایه
۷۹		۷۹	فضاهای بسته خانه خود
۸۰		۸۰	فضاهای باز خانه همسایه
۸۱		۸۱	فضاهای بسته خانه خود
۸۲		۸۲	فضاهای باز خانه همسایه
۸۳		۸۳	فضاهای بسته خانه خود
۸۴		۸۴	فضاهای باز خانه همسایه
۸۵		۸۵	فضاهای بسته خانه خود
۸۶		۸۶	فضاهای باز خانه همسایه
۸۷		۸۷	فضاهای بسته خانه خود
۸۸		۸۸	فضاهای باز خانه همسایه
۸۹		۸۹	فضاهای بسته خانه خود
۹۰		۹۰	فضاهای باز خانه همسایه
۹۱		۹۱	فضاهای بسته خانه خود
۹۲		۹۲	فضاهای باز خانه همسایه
۹۳		۹۳	فضاهای بسته خانه خود
۹۴		۹۴	فضاهای باز خانه همسایه
۹۵		۹۵	فضاهای بسته خانه خود
۹۶		۹۶	فضاهای باز خانه همسایه
۹۷		۹۷	فضاهای بسته خانه خود
۹۸		۹۸	فضاهای باز خانه همسایه
۹۹		۹۹	فضاهای بسته خانه خود
۱۰۰		۱۰۰	فضاهای باز خانه همسایه

زمان استفاده از فضاها

از طلوع صبح تا صبحانه

بعد از صبحانه تا قبل از ظهر

شستن مواد غذایی	
خرد کردن مواد غذایی	
پختن ناهار و شام	
نگهداری مواد غذایی خشک	
صرف ناهار	
نگهداری مواد فاسدشدنی	
صرف شام	
خواب شبانه‌ی خانواده	
استراحت و خواب روزانه‌ی زنان	
تهیه‌ی میوه‌های خشک	
تهیه‌ی انواع رب	
تهیه‌ی برخی مواد لبنیاتی	
جدا کردن برنج از سیوس	
پشم‌شویی	
پشم‌ریسی	
رنگ‌ریزی	
فرش‌بافی	
جالی‌بافی	
دوخت‌دوز و خیاطی	
صنایع دستی: فرش، آریه	
پختن شیرینی سنتی	
تویض لباس خود	
تویض لباس کودکان	
استحمام خود	
استحمام کودکان	
خرید مایحتاج روزانه	
خرید پارچه، کفش	
معاشرت با همسایگان	
استقبال از مهمان غریبه و آشنا	
پذیرایی از مهمان آشنا	
پذیرایی از دوستان و اقوام	
پذیرایی از مهمان غریبه	
محل خواب مهمانان غریبه	
خواب مهمان آشنا	
برگزاری جشن‌ها، نوروز، ازدواج	
شرکت در مراسم سوگواری و مذهبی	

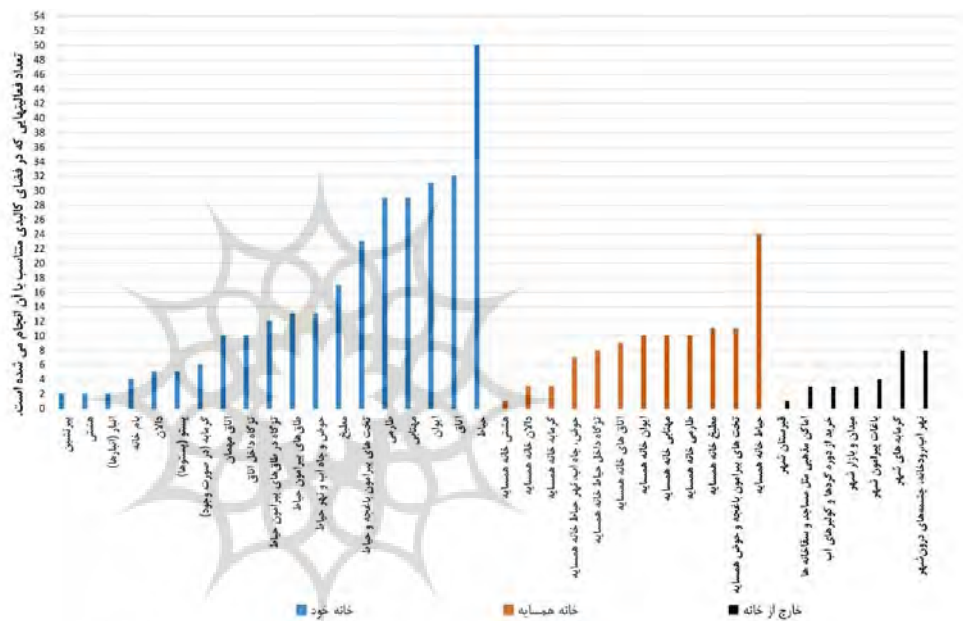
۷. تحلیل یافته‌ها

همه محیط‌های انسان‌ساخت نتیجه انتخاب راه‌حلی‌هایی از بین تمامی گزینه‌های ممکن‌اند. انتخاب‌های خاصی که جامعه «روا» و عرف می‌شمارد، مظهر فرهنگ آن جامعه است. درحقیقت یکی از راه‌های بررسی فرهنگ، نظر کردن به عام‌ترین انتخاب‌های جامعه است. روایی انتخاب‌هاست که در هر فرهنگ، اماکن و بناها را از اماکن و فرهنگ‌های دیگر متمایز می‌کند. این انتخاب‌های روا بر شیوه‌ای که انسان‌ها تعامل می‌کنند و شیوه‌ای که مکان و زمان را سازمان می‌دهند، تأثیر می‌گذارد (راپاپورت ۱۳۸۲، ۶۸). ساختمان‌ها و فضاهای زندگی از داخل براساس طرح‌های فرهنگی معینی تقسیم‌بندی می‌شوند (هال ۱۳۹۲، ۱۲۵). به عبارتی فضاهایی که زندگی روزمره در آن‌ها رخ می‌دهد، بازتابی از فرهنگ، ایدئولوژی‌ها، ویژگی‌ها و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی جامعه هستند که در چگونگی تعیین عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی نمایان شده‌اند. در ادامه به یافته‌های حاصل از بررسی ارتباط شیوه زندگی زنان خرم‌آباد بر چگونگی تعریف عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی در خانه‌های دوره قاجار پرداخته خواهد شد.

۱.۷. وجود سه حوزه برای فعالیت‌های زنان: خانه خود، خانه همسایه، خارج از خانه

در جدول ۳ فعالیت‌های زنان در زندگی و فضای کالبدی متناسب با آن‌ها ذکر شد. زنان علاوه بر انجام فعالیت‌های خود در فضاهای کالبدی خانه خود، فعالیت‌هایی را نیز در خانه‌های همسایگان خود انجام می‌داده‌اند، لذا سه نوع فضا برای فعالیت‌های زنان قابل استنباط است:

- فضاهای کالبدی خانه خود.
- فضاهای کالبدی خانه همسایه‌ها.
- فضاهای خارج از خانه خود و همسایه‌ها یا به عبارتی معابر، فضاهای محله و شهری (نمودار ۳).



نمودار ۳: میزان فعالیت‌های زنان در سه حوزه و فضاهای کالبدی متناسب با فعالیت‌ها

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۴ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۹۱

«من خیلی برای خرید بیرون نمی‌رفتم. شوهرم مسئول خریدای خونه بود؛ البته چیزای مربوط به خودم و بچه‌ها مثل کفش یا پارچه رو خودم می‌خریدم. علاوه بر کارهای خونه توی کار قنادی هم به شوهرم کمک می‌کردم. همسایه‌ها میومدن خونه ما آب مصرفی خونواده‌شون رو می‌بردن و در اوقات فراغت کنار هم پشم‌ریسی می‌کردیم. مطبخ رو کارگاه کرده بودیم. کارای آشپزی رو توی حیاط، ایوان، مهتابی، کنار نهر داخل حیاط و تژگاه داخل حیاط انجام می‌دادم و ماه‌های سرد، خیلی از کارا و پخت‌وپز رو روی تژگاه داخل اتاقا انجام می‌دادم. همسایه‌ها برای استفاده از مطبخ خونه ما نمیومدن، چون مطبخ رو به کارگاه تبدیل کرده بودیم و البته ساعت‌هایی از روز هم شوهرم توی خونه به کار قنادی مشغول بود.» (پاسخ متعلق به خانم کد A3: متولد ۱۳۸۹ش).

«خانومای خونه ما همیشه به آب تمیز و آشامیدنی به مقدار زیاد دسترسی داشتن. در گذشته همیشه تأمین آب مصرفی خونواده‌ها به عهده زنان بود و کار پرزحمتی بود، چون بعضی از حیاطا به چاه یا نهر درون شهری دسترسی نداشتن. بنابراین خانوما از خونه همسایه‌هایی که آب داشتن، آب مصرفی خونواده رو تهیه می‌کردن.» (پاسخ متعلق به آقا کد B4: متولد ۱۳۱۰ش).

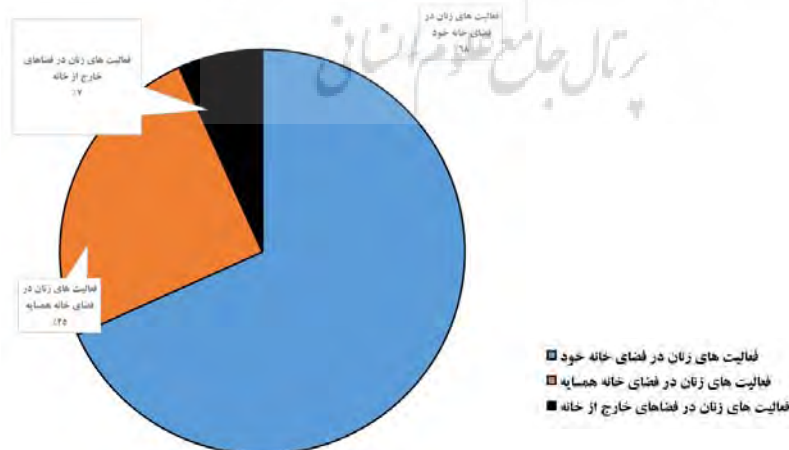
«خونه ما چاه آب داشت و خانومای همسایه تقریباً تمام روز برای بردن آب مورد نیازشون به حیاط ما میومدن و بعضی وقتا ساعت‌ها با خانومای خونه ما دور هم می‌نشستن به‌خصوص در اوقات فراغت. پدرم می‌گفت قدیما همسایه‌ها

خیلی باهم ارتباط داشتن» (پاسخ متعلق به آقا: کد B1، متولد ۱۳۱۴ش).
«خونه ما انتهاش بن بسته. دالان پهن و بزرگی داره. چاه آب خونه ما توی دالان بود. در حیاط ساعت‌ها برای همسایه‌ها باز بود. کارای آشپزی و شست‌وشو و نگهداری از بچه‌ها و خرید برخی مایحتاج روزانه رو به عهده داشتیم. بیشتر کارام رو توی ایوان، حیاط، طارمی، کنار حوض، تختای توی حیاط، تڑگاه‌های توی حیاط و مطبخ انجام می‌دادم. با بعضی همسایه‌ها دور هم توی حیاط جمع می‌شدیم و پشم‌ریسی و بافندگی و بعضی کارای آشپزی رو باهم انجام می‌دادیم» (پاسخ متعلق به خانم: کد A6، متولد ۱۳۱۱ش).

«مطبخ ما درحقیقت یکی از ایوان‌های حیاط بود که چند تڑگاه داشت: یکی برای پختن نان و بقیه پخت‌وپز. این مطبخ بین اهل خانواده مشترک بود و بعضی وقتا هم همسایه‌ها به حیاط ما می‌ومدن و از مطبخ و هیزما استفاده می‌کردن. برای پخت نان هم بعضی وقتا همسایه‌ها از تڑگاه مخصوص پخت نان در مطبخ ما به‌نوبت بین خودشون استفاده می‌کردند» (پاسخ متعلق به آقا: کد B4 شیوه زندگی زنان خانه، متولد ۱۳۱۰ش، مشابه پاسخ خانم کد A2 متولد ۱۳۱۲).

«حیاط ما دو تا در داشت: رفت‌وآمدی همسایه‌ها از دری بود که دالان داشت. خانومای خونه شستن ظروف رو کنار حوض انجام می‌دادن. حیاط ما چاه آب نداشت، ولی نهر آب از حیاطمون می‌گذشت. ۵ یا ۶ ساله بودم که یادم میاد همسایه‌ها ظرفاشون رو توی حیاط ما می‌شستن و موقع رفتن آب مورد نیازشون رو با خودشون می‌بردن. مثلاً ما می‌دونستیم که محله درب باباطاهر (محله‌ای که خونه ما اونجاست) شب گذشته شام یا نهار چی خوردن. بعضی از همسایه‌ها هم فقط برای بردن آب می‌ومدن. اون موقع قلیون کشیدن بین خانوما و آقایون مرسوم بود. مرحوم مادرم قلیون تمیز و نقره‌ای زیبایی داشت. با قلیون و چای از خانومای همسایه پذیرایی می‌کرد. پدرم به‌جز مادرم دو همسر دیگه هم داشت. ما صبح اول وقت درای حیاط رو برای خانومای همسایه باز می‌داشتیم و آخر شب اونا رو می‌بستیم. بعضی وقتا خانومای خونه ما برای شست‌وشو و استفاده از آب ممکن بود که نوبت بگیرند. البته قدم همسایه‌ها همیشه سر چشم ما بود. اون موقع پوشش‌ها فرق می‌کرد. مادرم لباس بومی می‌پوشید: پیراهن بلند و روسری گلونی، و موهاش رو می‌بافت و از زیر گلونی بیرون می‌داد، ولی عمه‌هام جلوی من که یه پسر ۶ یا ۵ ساله بودم همیشه نقاب داشتن. بیرون هم می‌رفتن، چادر و نقاب داشتن» (پاسخ متعلق به آقا: کد B4، متولد ۱۳۱۰ش، مشابه پاسخ آقا کد B2 در مورد شیوه زندگی مادرش، متولد ۱۳۳۹).

با توجه به بررسی داده‌ها؛ زنان حدود ۶۷ درصد فعالیت‌های خود را در خانه خود انجام می‌داده‌اند، ۲۶ درصد فعالیت‌های خود را در خانه همسایه(ها) و حدود ۷ درصد از فعالیت‌ها به فضای خارج از خانه مرتبط بوده است (نمودار ۴).



نمودار ۴: درصد فعالیت‌های زنان در فضاهای کالبدی خانه خود - فضاهای خانه همسایه - فضاهای خارج از خانه

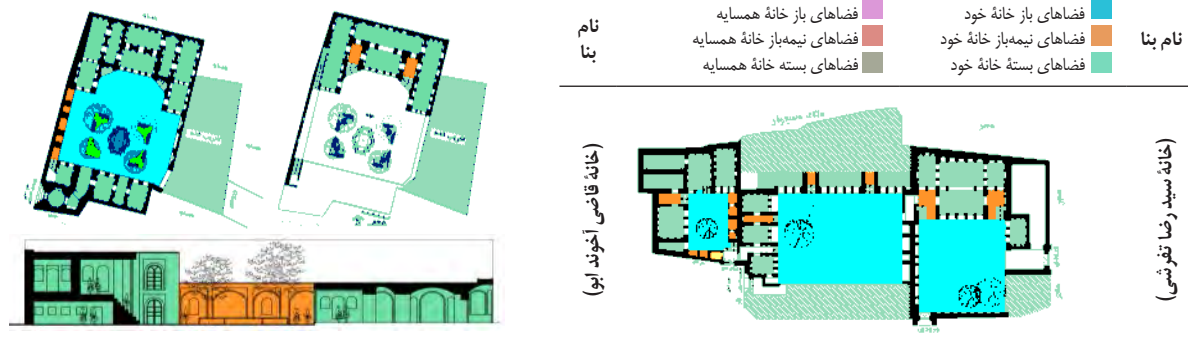
از میان ۱۱ مصاحبه انجام شده پاسخ‌های ۸ مصاحبه‌شونده درباره این مبحث به یکدیگر شباهت داشت. پاسخ‌های متفاوت متعلق به مصاحبه‌شوندگانی بود که غیربومی و دارای خانه‌هایی با الگوی اندرونی-بیرونی بوده و به‌ندرت از عرصه‌ها و فضاهای خانه همسایه استفاده می‌کرده‌اند.

«حیات (خانه) ما اندرونی-بیرونی بود. قسمت بیرونی محل کار پدرم بود. پدرم روحانی و زمین‌دار بودن. اجداد ما بواسطه قاجار به خرم‌آباد اومدن. پدرم دو همسر داشتن. مادرم خونه‌داری و تربیت فرزندان و کارایی مانند فرش‌بافی و پشم‌ریسی انجام می‌داد. خانواده ما به آموزش و علم اهمیت می‌دادن، البته بیشتر برای مردان خانواده. دخترا ابتدا فقط اجازه آموختن قرآن را داشتن. بعدها برای یادگیری خوندن و نوشتن برامون معلم سرخونه گرفتن تا اینکه بالاخره من و خواهرم تونستیم با پادرمیانی افرادی از خانواده، تا دیپلم درس بخونیم. البته چون دیر به مدرسه رفتن از همکلاسیام از لحاظ سن بزرگ‌تر بودم. پدرم مقداری پول به‌عنوان خرجی روزانه که غالباً صرف مواد خوراکی می‌شد در اختیار مادرم قرار می‌داد و مرد خدمتکار خونه خریدار را انجام می‌داد. بعضی کارای خونه را پدرم انجام می‌داد. دو خدمتکار داشتیم. یکی مرد که در قسمت بیرونی خونه بود و دیگری زن که در اندرونی خونه بود و کارایی مثل نظافت خونه و شستن لباسا و ظروف را به عهده داشت. معمولاً خانوما اجازه بیرون رفتن برای خرید رو نداشتن، مگر برای رفتن به حمام یا دیدوبازدید با اقوام. برای نمونه خدمتکار خونه تعدادی کفش با مدلای مختلف به خونه می‌آورد و ما انتخاب می‌کردیم. در آن دوران، لباس آماده توی بازار نبود و تعدادی نمونه پارچه برای ما به خونه می‌آوردن و سپس از نمونه‌ای که انتخاب شده بود، پارچه می‌خریدن و آن را به خیاط خانواده می‌دادن تا برای ما بدوزه. در اون دوره خانوما درصورتی که درآمدی داشتن، اختیار چگونگی مصرف کردن درآمد خودشون رو داشتن. فقط افراد محرم حق ورود به اندرون رو داشتن. مادرم بعد از نماز صبح مدت کوتاهی استراحت می‌کرد و بعد به کمک خدمتکارای خونه، وسایل صبحونه را آماده می‌کردن. کارایی مانند تهیه ناهار و مدیریت در امر شست‌وشو و نظافت خونه به کمک خدمتکارا شروع می‌شد. توی حیات حوض آب داشتیم که آب اون از چشمه‌های شهر تأمین می‌شد و محل شستن ظروف و لباسا و... بود. خانوما همسایه حق استفاده از حیات ما و آب روان و مطبخ رو نداشتن. ما با پدربزرگ و مادربزرگ و دو همسر پدرم و با برادرای متأهلم توی این خونه زندگی می‌کردیم» (پاسخ متعلق به خانم کد A5 در مورد زندگی مادرش و خودش: متولد ۱۳۲۰ش، مشابه پاسخ آقا کد B5 در مورد زندگی زنان خانه: متولد ۱۳۱۴ش).

۲.۷. کیفیت فضاهای کالبدی (فضاهای باز، نیمه‌باز و فضاهای بسته) مورد استفاده زنان در خانه خود و خانه همسایه

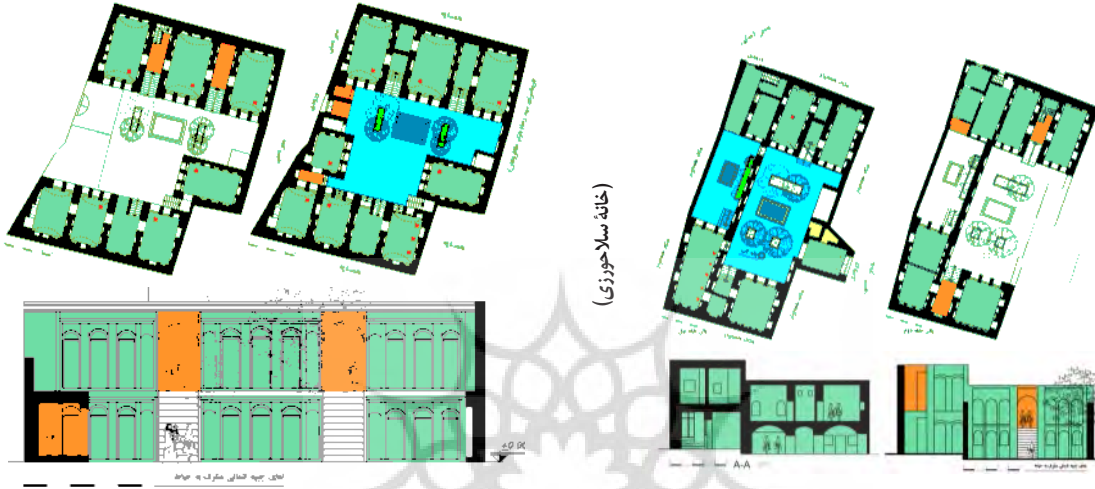
بررسی‌ها نشان می‌دهد فضاهای مورد استفاده زنان متنوع بوده و تقریباً از تمام فضاهای خانه خود استفاده می‌کردند: فضاهای باز، نیمه‌باز و فضاهای بسته. از فضاهای خانه همسایه نیز استفاده می‌شده است: فضاهای باز، نیمه‌باز و فضاهای بسته (جدول ۴).

جدول ۴: کیفیت فضاهای کالبدی (فضاهای باز، نیمه‌باز و فضاهای بسته) مورد استفاده زنان در خانه خود و خانه همسایه



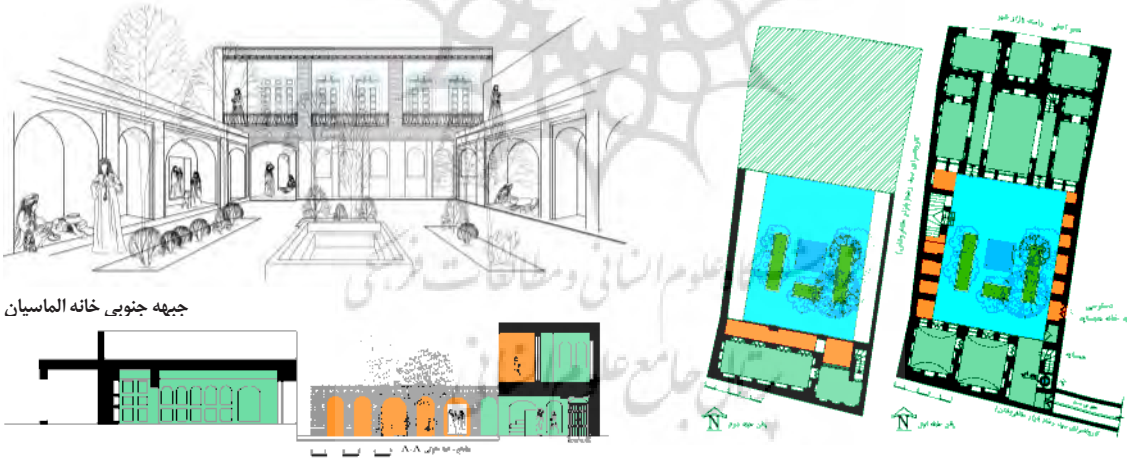


خانه عبدالکلیله کاشفی



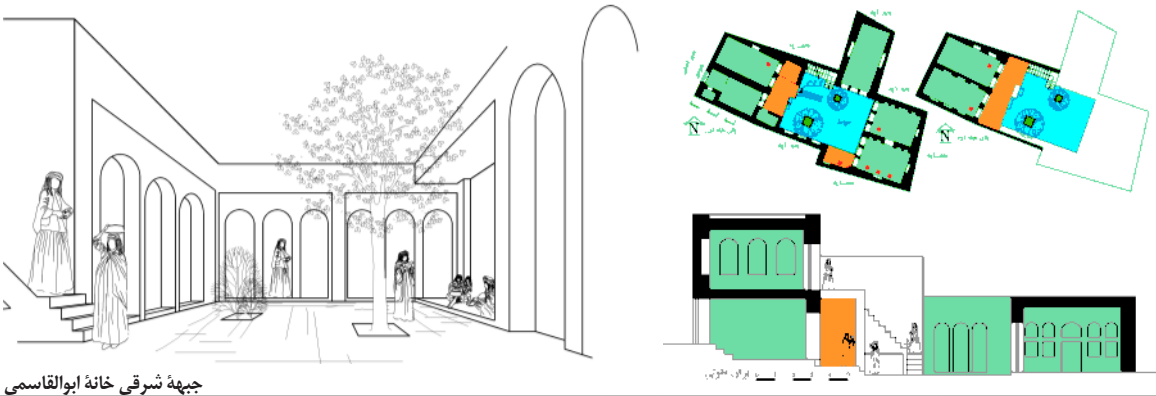
خانه سلاجوزی

خانه جزایری



جبهه جنوبی خانه الماسیان

خانه الماسیان

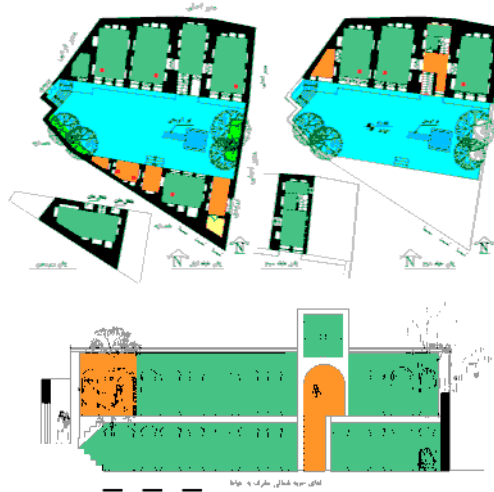


جبهه شرقی خانه ابوالقاسمی

خانه ابوالقاسمی



جبهه جنوبی خانه صارمی



(خانه صارمی)



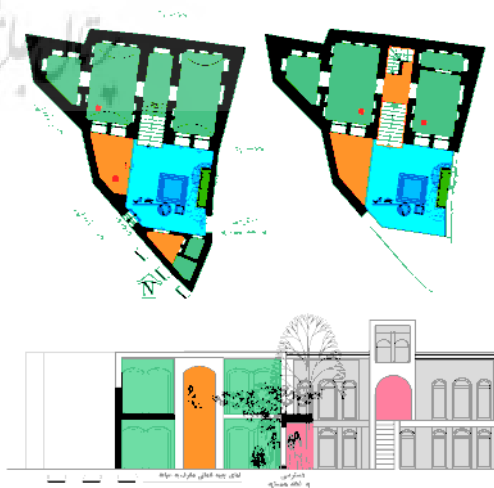
جبهه شمالی خانه عیسی زاده



(خانه عیسی زاده)

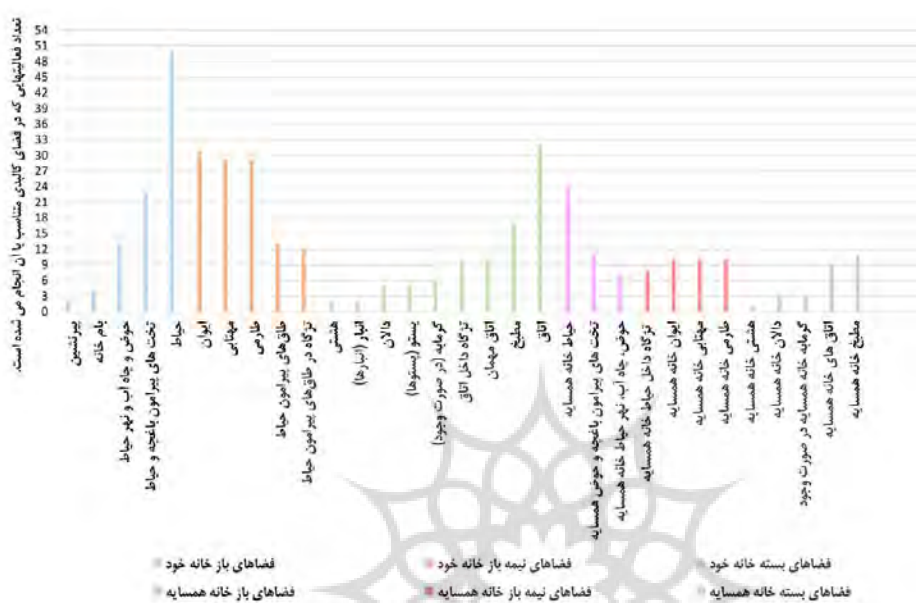


جبهه شمالی خانه ملکی



(خانه ملکی)

پس از بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد که میزان استفاده زنان از فضاهای باز، نیمه‌باز و بسته، متفاوت بوده است (نمودار ۵).

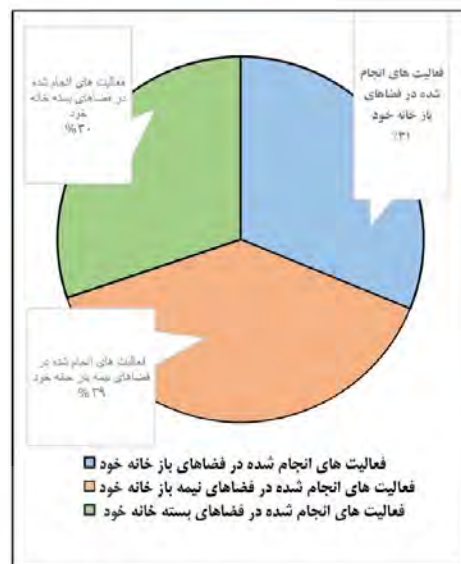


نمودار ۵: فعالیت‌های زنان در فضاهای باز و نیمه‌باز و بسته خانه خود و همسایه

زنان حدود ۳۹٪ فعالیت‌های خود را در فضاهای نیمه‌باز خانه خود انجام می‌دهند: ایوان، مهربانی، طراحی در طبقه اول، و طاق‌های پیرامون حیاط، تَرَگاه‌های واقع‌شده در حیاط یا طاق‌های (ایوانچه) پیرامون حیاط، در طبقه همکف. به عبارتی بیشترین فعالیت‌های زنان در فضاهای نیمه‌باز خانه خود انجام می‌شده است. این فضاها اغلب در طبقه اول قرار داشته‌اند و در بسیاری موارد به حیاط خانه‌های همسایه‌ها دارای دید و اشراف و راه دسترسی نیز بوده‌اند. حدود ۳۱٪ از فعالیت‌ها نیز در فضاهای باز خانه انجام می‌شده است: حیاط، تخت‌های پیرامون حوض و باغچه، بام، حوض و چاه آب و نهر جاری در حیاط. به جز بام بقیه فضاها در طبقه همکف قرار داشته‌اند. هر دو فضای باز و نیمه‌باز از نور طبیعی و دید بهره‌مند بوده‌اند. فضاهای بسته حدود ۳۰٪ از محل فعالیت‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. البته میزان استفاده از فضاهای باز و نیمه‌باز و بسته به فصل‌های سال نیز وابسته بوده است. در واقع حدود ۷۰٪ فعالیت‌های زنان در فضاهای باز و نیمه‌باز خانه انجام می‌شده است (نمودار ۶). استفاده از فضاهای نیمه‌باز حدود ۳۶٪ و فعالیت‌های انجام‌شده در فضاهای بسته خانه همسایه حدود ۲۴٪ بوده است. به عبارتی فضاهای باز خانه همسایه بیشترین فضاهای مورد استفاده زنان همسایه بوده و سپس فضاهای نیمه‌باز. در کل، حدود ۷۶٪ از فعالیت‌های زنان در خانه همسایه، در فضاهای باز و نیمه‌باز صورت می‌گرفته است (نمودار ۷). به نظر می‌رسد فضاهای باز و نیمه‌باز خانه‌ها عرصه‌های زندگی خصوصی ساکنان نبوده‌اند؛ بلکه به‌نوعی عرصه زندگی نیمه‌خصوصی و حتی در مواردی عرصه زندگی جمعی نیز بوده‌اند. با توجه به اینکه زنان حدود ۲۴٪ فعالیت‌های خود را نیز در فضاهای بسته خانه همسایه همچون اتاق و مطبخ انجام می‌دهند، می‌توان نتیجه گرفت که اتاق و مطبخ نیز در مواردی علاوه بر اینکه عرصه زندگی خصوصی بوده‌اند، در برخی مواقع عرصه زندگی نیمه‌خصوصی و محل تعاملات اجتماعی نیز بوده‌اند.



نمودار ۷: فعالیت‌های انجام شده در فضاهای خانه همسایه



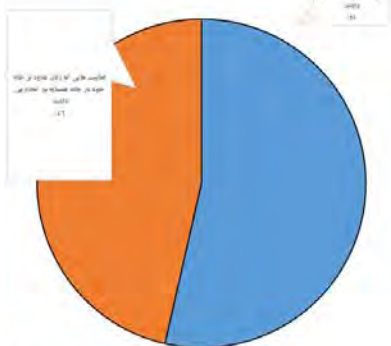
نمودار ۶: فعالیت‌های انجام شده در فضاهای خانه خود

۳.۷. ترجیح عرصه‌های زندگی نیمه خصوصی و زندگی جمعی بر عرصه‌های زندگی خصوصی

بررسی‌ها نشان می‌دهد زنان برخی فضاهای خانه همسایه‌ها را برای برخی امور ترجیح می‌دادند. به عبارتی، حدود و قلمرو زنان فقط به خانه خود محدود نبوده است. از کل فعالیت‌هایی که زنان در خانه خود انجام می‌داده‌اند، برای انجام حدود ۴۶٪ از همان فعالیت‌ها نیز از فضاهای کالبدی خانه‌های همسایه‌های خود استفاده می‌کرده‌اند. به عبارتی، ترجیح می‌داده‌اند برخی از فعالیت‌های خود را در جمع همسایه‌ها و در عرصه زندگی جمعی انجام دهند. (نمودار ۸).

«یادم میاد وقتی بچه بودم، بعضی از همسایه‌ها که با مادرم رابطه صمیمی داشتن، اسباب پختن ناهار یا شام خودشون رو به خونه ما میاوردن: دیگ و ظروف و مواد غذایی. خیلی وقتا بیش از یه غذا روی اجاقای خونه ما بود. نمی‌دونستیم کدوم ناهار خودمونه. ظهر که می‌شد همسایه‌ها قبل از اینکه به خونه خودشون برن، یه کاسه از غذای خودشون رو برای ما می‌داشتن و مادرم هم سهم اونا رو از غذای خودمون می‌داد یا براشون می‌فرستاد در خونه‌شون. این رسم خیلی خوبی بود که از سال‌های خیلی دور اینجا رایج بوده و الان خیلی کم‌رنگ شده. بهش می‌گفتن "کاسیم‌سا" یعنی کاسه همسایه. همیشه سر سفره‌ها کاسه‌های رنگارنگ همسایه‌ها بود. همسایه‌ها چه اونایی که توی یه خونه زندگی می‌کردن و چه سایر همسایه‌ها، برای همدیگه از غذای خودشون می‌فرستادن. خودمم همین‌طور زندگی می‌کردم» (پاسخ متعلق به خانم کد A1 در مورد شیوه زندگی مادرش و خودش: متولد ۱۳۲۱ش).

«اون موقع با همسایه‌ها خیلی ارتباط داشتیم. همسایه مثل خانواده بود. باهم سفر می‌رفتیم. خیلی وقتا توی حیاط با مادرم دور هم جمع می‌شدن و کارهای صنایع دستی انجام می‌دادن یا توی مطبخ یا تزیینات‌های حیاط ما نون یا غذا می‌پختن. توی روزای گرم جلوی آفتاب یا روی آتش آب گرم می‌کردیم و توی حیاط دیواره‌های پارچه‌ای با ملافه درست می‌کردیم و دوش می‌گرفتیم، هم خودمون و هم خانوما و دخترای همسایه. چای می‌خوردیم و در آخر، خونه خودشون می‌رفتن. موقعی این کارا رو می‌کردیم که مردا خونه نبودن یا اگه هم بودن، توی اون اتاق اولی دم درب ورودی حیاط استراحت می‌کردن. من هنوز هم مثل مادرم زندگی می‌کنم و رسم کاسیم‌سا رو به جا میارم؛ هرچند الان خیلی کم‌رنگ شده» (پاسخ متعلق به خانم کد A4 درباره شیوه زندگی مادرش و خودش: متولد ۱۳۲۵ش).

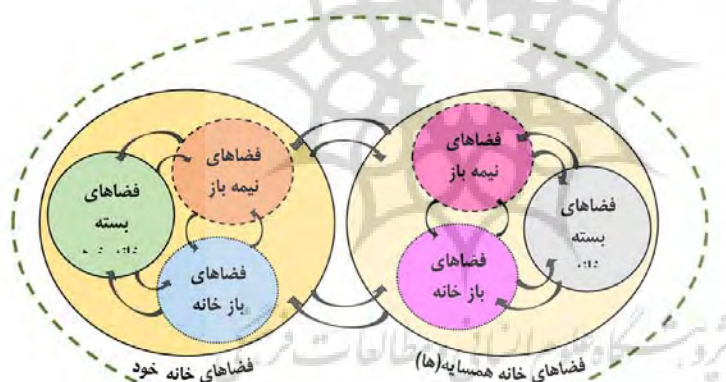


فعالیت‌هایی که زنان فقط در خانه خود انجام می‌دادند. ۵۷٪
فعالیت‌هایی که زنان علاوه بر خانه خود در خانه همسایه نیز انجام می‌دادند. ۴۳٪

نمودار ۸: ترجیح زنان به انجام فعالیت‌های خود در جمع همسایه‌ها و خلق عرصه‌های زندگی جمعی

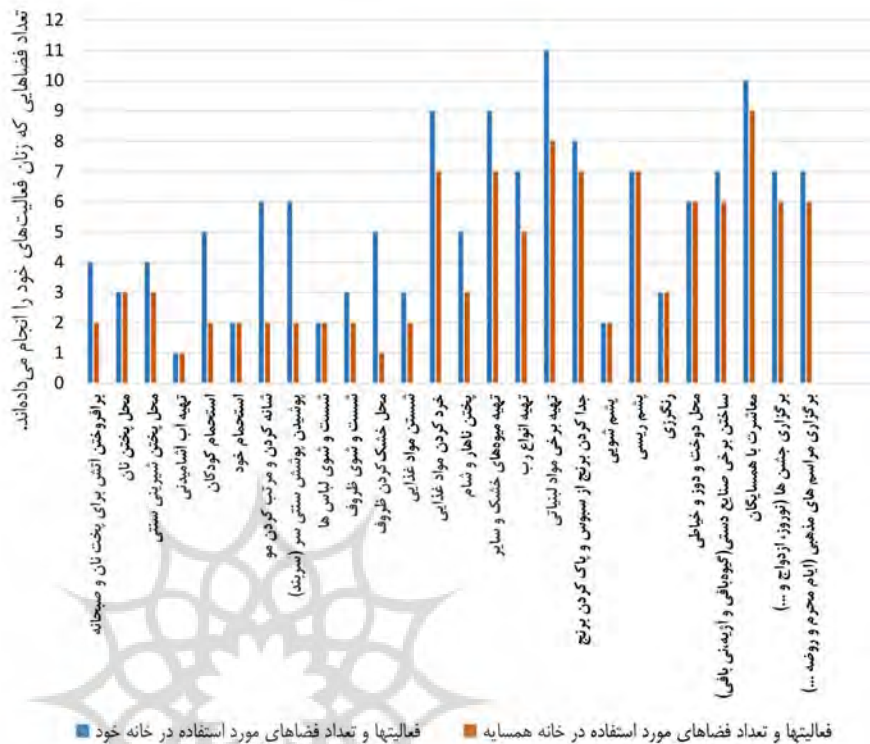
۴.۷. چگونگی جابه‌جایی عرصه‌های زندگی زنان

«افرادی که در فرهنگ‌های مختلف بار می‌آیند، در جهان‌های ادراکی و حسی کاملاً متفاوتی زندگی می‌کنند و این موضوع را می‌توان با توجه به شیوه جهت‌گیری آن‌ها در فضا و چگونگی حرکت آن‌ها از یک مکان به مکان دیگر دریافت» (هال ۱۳۹۲، ۹۰). به عبارتی، چگونگی حرکت در فضا، تعریف‌کننده عرصه‌های گوناگون زندگی است. بنابراین می‌توان با بررسی بعد زمانی-مکانی فعالیت‌های زنان و اینکه از لحاظ زمانی، آن‌ها چه فعالیت‌هایی را در کدام فضاهای کالبدی انجام می‌دهند، عرصه‌های گوناگون زندگی آنان و نیز چگونگی جابه‌جایی این عرصه‌ها را در طی شبانه‌روز دریافت. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده و جدول ۴، دو دسته فعالیت قابل استنباط است: نخست فعالیت‌هایی که در زمان در مکان خاص در طی شبانه‌روز انجام می‌شوند و دوم فعالیت‌هایی که در فضاها خاص ولی در بازه زمانی گوناگون و متغیر و یا مکرر انجام می‌شوند. با توجه به بررسی‌ها، نخستین فعالیت‌های زنان در زندگی روزمره از فضای بسته خانه خود یعنی اتاق‌ها آغاز می‌شود و سپس دامنه انجام فعالیت‌ها به فضاهای نیمه‌باز یا فضاهای باز خانه و برخی فعالیت‌ها نیز به فضاهای باز، نیمه‌باز و فضاهای بسته خانه همسایه‌ها نیز گسترش می‌یافته‌اند. فعالیت‌هایی چون تهیه برخی صنایع‌دستی مانند پشم‌ریسی، فرش بافی، ماشته‌بافی، رنگ‌ریزی، دوخت‌دوز و سایر فعالیت‌های مشابه اغلب در طی شبانه‌روز مکرراً و در زمان‌ها و در فضاهای متغیر انجام می‌شوند. به عبارتی، مکان انجام این فعالیت‌ها در فضاهای باز و نیمه‌باز و بسته خانه خود و همسایه مدام در حال جابه‌جایی بوده‌اند و در نهایت دامنه انجام فعالیت‌های زنان مجدداً به فضاهای خانه خود، اتاق ختم می‌شوند (نمودار ۹).



نمودار ۹: جابه‌جایی زنان در فضاهای کالبدی خانه خود و همسایه

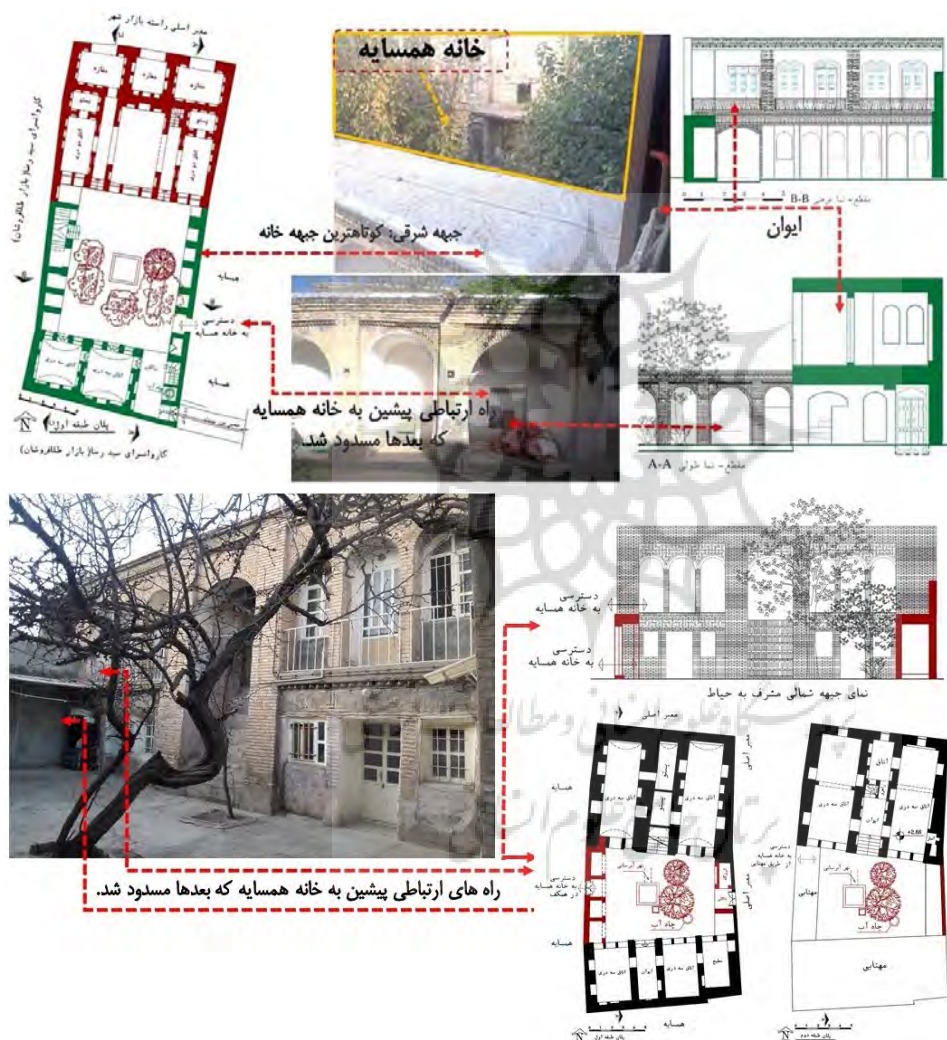
۵.۷. اشتراک عرصه‌های زندگی خصوصی و نیمه‌خصوصی با همسایگان: خلق عرصه‌های بزرگ‌تر
پیش‌تر اشاره شد که شکل ارتباط بین بخش عمومی و خصوصی خانه و مفاهیمی چون حریم خصوصی و کنترل فضا نسبت به الگوهای رفتاری و فرهنگی خانوارها متغیر است. البته در تمامی موارد، تمایزی میان بخش عمومی و خصوصی درون خانه وجود دارد؛ اگرچه امکان دارد این تمایز در فرم‌های فیزیکی و خصوصیات عملکردی متبلور نشده باشند. نمودار ۱۰ فعالیت‌هایی را که زنان علاوه بر خانه خود در خانه همسایه‌ها نیز انجام می‌دهند، نشان می‌دهد. این شیوه زندگی منجر به افزایش ارتباط میان همسایگان و در نتیجه به اشتراک گذاشتن فضاهای خانه خود با آنان می‌شود. به عبارتی با به اشتراک گذاشتن عرصه‌های زندگی خصوصی و نیمه‌خصوصی خود با همسایه‌ها، عرصه‌های زندگی خصوصی و نیمه‌خصوصی بزرگ‌تری را ایجاد می‌کرده‌اند که همین امر موجب به وجود آمدن عرصه‌های زندگی جمعی می‌شود.



نمودار ۱۰: فعالیت‌هایی که زنان علاوه بر خانه خود در خانه همسایه انجام داده و تعداد فضاهای کالبدی متناسب با آن‌ها

«خونه ما رو اجدادمون در دوره قاجار ساخته بودن. پدرم روحانی بودن. تاجر چرم و پوست بودن و دباغ‌خونه هم داشتن. تجارت فرش و زمین‌دار هم بودن. بعضی از فرشایی که صادر می‌کردن، متعلق به لرستان بود. مادرم خونه‌دار بود و دختر یکی از خوانین عشایر و تنها همسر پدرم بود. به‌جرت می‌تونم بگم در تمام امور به‌جز ازدواج فرزندان، مادرم از طرف پدرم تام‌الاختیار بود. پدرم بخشی از درآمدش رو در اختیار مادرم قرار می‌داد. خودش پس‌انداز می‌کرد و مادرم هم با پس‌اندازی که می‌کرد، زمین و ملک می‌خرید. قدیم درآمد اکثر زن‌ها مال خودشون بود، اینکه چطور خرج کنن. برخلاف مادرم و من، خواهرم که ۱۵ سال از من بزرگ‌تر بود، توی خونه شوهر اختیار هیچی رو نداشت. بخشی از نگهداری ما به عهده دایه بود. شستن کهنه‌های بچه و لباسا و بخشی از کارای خونه به عهده خدمتکارا بود. مادرم روی کیفیت نان مصرفی و پخت غذای اهل خونه حساس بود؛ بنابراین نان مصرفی و پخت‌وپز کل خانواده رو خودش انجام می‌داد. تربیت و شیر دادن بچه‌ها به عهده مادرم بود. در اوقات فراغت پشمایی رو که پدرم برایشون می‌آورد، توی حیاط خونه تمیز می‌شست. بعد که خشک می‌شدن، اونا رو با حوصله به نخ تبدیل می‌کرد و نخا رو توی حیاط رنگ‌آمیزی می‌کرد و با دستگاه مخصوص ماشته (جاجیم) می‌بافت که کار هنرمندانه و سختی بود. مادرم دار قالی داشت و با نخایی که خودش درست می‌کرد، قالیای زیبایی می‌بافت. خیاطی می‌دانست و لباسای خودش و ما دخترا رو با دست می‌دوخت. منم از ایشون خیاطی یاد گرفتم. خانومای همسایه توی حیاط ما دور هم جمع می‌شدن. بعضیاشون فن خودشون رو داشتن و به همدیگه یاد می‌دادن. بعضی چیزا رو از مادرم یاد گرفتم و بعضی دیگه رو از خانومای همسایه. بعضیا برای بردن آب به خونه ما میومدن یا بخشی از کارای پخت‌وپز رو توی مطبخ یا تڑگاه‌های حیاط ما انجام می‌دادن. خیلی مهمان داشتیم؛ حتی بعضی وقتا تا یک ماه خونه ما اقامت داشتن. بالاینکه نامحرم بودن، پدرم می‌گفت بعضی افراد این قدر پاکی توی وجودشون هست که نمی‌شه بهشون گفت نامحرم. توی خونه ما چند اتاق جداگانه همیشه برای خواب و استراحت مهمونا تمیز و مهیا بود» (پاسخ خانم درباره زندگی مادرش: کد A4، متولد ۱۳۲۱ش).

- تمایل برای به اشتراک گذاشتن عرصه‌های زندگی نیمه‌خصوصی و حتی خصوصی خود با همسایه‌ها در میان این مردم موجب به وجود آمدن تغییراتی در معماری خانه‌ها شده بود. راهکارهایی که بتوانند این اشتراک فضایی را تقویت کنند:
- ایجاد درب و راه دسترسی بین خانه خود و خانه همسایه از طریق حیاط خانه؛
- ایجاد راه دسترسی به خانه‌های همسایه‌ها از طریق حذف دیوارهای بلند جان‌پناه مابین خانه خود و همسایه در جبهه‌هایی که با حیاط همسایه هم‌جوار بوده‌اند؛
- ایجاد راه دسترسی از طریق مهتابی یا طارمی یا ایوان خانه خود به فضای مشابه یا حیاط خانه همسایه (تصویر ۳ و ۴).



تصویر ۳ و ۴: راه‌های ارتباطی بین خانه‌های همسایه‌ها براساس منابع و مصاحبه‌ها

همسایه‌ها گاهی با یکدیگر فامیل بودند، گاه از یک قوم یا قبیله و گاه هیچ رابطه فامیلی با یکدیگر نداشتند. ساکنان یک خانه الزاماً همیشه محرم نبوده‌اند. تا اواسط پهلوی اول از شهر خرم‌آباد به نام «شهر فامیلی» یاد می‌شده و بسیاری از مردم شهر، بومی بوده و با یکدیگر آشنایی داشته‌اند. در خانه‌های مورد بررسی، خانه‌های دارای یک حیاط با استفاده از یک یا چند روش فوق به خانه یک همسایه یا بیشتر دارای راه ارتباطی بوده‌اند (خانه الماسیان، خانه عیسی‌زاده،

خانه ملکی)، مگر خانه‌هایی که به دلیل موقعیت در بافت و هم‌جواری با چندین معبر (خانه کشفی، خانه صارمی) یا هم‌جواری با اماکن حکومتی و تجاری (خانه ابوالقاسمی، خانه سلاخورزی) امکان ایجاد راه دسترسی وجود نداشته است. در خانه‌های با الگوی اندرونی-بیرونی چنین تدابیری وجود نداشته و بلکه دارای بلندترین دیوارها در جبهه‌های هم‌جوار با همسایه‌ها بوده‌اند (خانه سید رضا تفرشی، خانه قاضی آخوند ابو، خانه جزایری).

«خونه ما به خونه همسایه راه ارتباطی داشت. بعدها که بچه‌های هر دو خونواده کمی بزرگ‌تر شدن، به‌علت تفاوت‌های فرهنگی این در ارتباطی بنا به مصلحت هر دو خونواده به‌صورت توافقی مسدود شد» (پاسخ متعلق به خانم کد A6: متولد ۱۳۱۱ش).

«اون موقع از هزار تا زن یکی ممکن بود شغلش خارج از خونه باشه. شغل مادرم خونه‌داری بود؛ مگر خونه‌داری شغل نیست؟! همین که زن‌ها با کارای خودشون در هزینه‌ها صرفه‌جویی می‌کردن، خودش یه نوع درآمد بود. نظافت و نگهداری از بچه‌ها و خونه و پخت‌وپز، صنایع دستی و خیلی کارای دیگه؛ اینا کم زحمتی بود؟ از صبح تا شب زحمت می‌کشیدن. زندگی همسر هم همین‌طور بود. کمتر برای خرید از بازار بیرون می‌رفتن؛ البته بودن خانومایی که خودشون برای خرید به بازار میومدن، به‌خصوص زنان عشایر و روستایی. توی شهر تجارت‌خونه داشتم. همسایه‌ها به خونه هم خیلی رفت‌وآمد می‌کردن. حتی بعضی وقتا به‌جای اینکه خانوما از معبر به خونه‌های هم‌جوار رفت‌وآمد کنن، از طریق راه دسترسی که بین خونه خودشان با همسایه‌ها وجود داشت، باهم معاشرت می‌کردن. البته خونه ما به حیاط همسایه‌ها راه ارتباطی نداشت و از سه سمت با معبر هم‌جوار بودیم، در عوض یکی از درای خونه تقریباً تا اواسط شب به روی خانومای همسایه باز بود» (پاسخ متعلق به آقا کد B4 درباره زندگی مادرش و همسرش: متولد ۱۳۱۰ش).

«پدرم می‌گفت اون قدیما همسایه‌ها این‌قدر به هم اعتماد داشتن که کمتر کسی در خونه‌ش یا در اتاقای خونه رو قفل می‌کرد» (پاسخ متعلق به آقا: کد B1، متولد ۱۳۱۴ش).

«خونه ما به حیاط همسایه، در و راه ارتباطی داشت. اهالی خونه ما از طریق این راه‌ها باهم رفت‌وآمد می‌کردن. اون موقع مردم توی شبای گرم سال روی پشت‌بام بساط پهن می‌کردن و همسایه‌ها تا نیمه‌های شب رو باهم می‌گذروندن. البته فقط مردا روی بام می‌خوابیدن. بعدها به دلایلی این راه‌های ارتباطی کم‌کم مسدود شدن. مثلاً همسایه‌ها عوض شدن یا افراد غیربومی به شهر اومدن؛ نظامیا و افراد مهاجر. آخه تا اون موقع مردم شهر تقریباً همه همدیگه رو تا حدودی می‌شناختن یا نهایت با پرسیدن نام پدر یا مادر کسی، فوراً اصل و نسب افراد مشخص می‌شد» (پاسخ متعلق به آقا کد B2 درباره دوران کودکی خودش و دیده‌ها و شنیده‌هایش از زندگی مادر و مادر بزرگ: متولد ۱۳۲۹ش، مشابه پاسخ آقا کد B1: متولد ۱۳۱۴ش، مشابه پاسخ آقا کد B3: متولد ۱۳۲۱ش).

۷.۶. فضاهای پخت‌وپز: عرصه زندگی خصوصی و خلوتی زنانه و نیز فضاهایی برای روابط خانوادگی و اجتماعی

مطبخ در خانه‌های قدیمی به‌عنوان فضایی زنانه شناخته می‌شد. بررسی‌ها سه نوع فضای پخت‌وپز را در خانه‌های دوره قاجار خرم‌آباد نشان می‌دهد: مطبخ به‌عنوان فضایی سرپوشیده، تڑگاه(هایی) در حیاط و طاق‌های پیرامون حیاط و تڑگاه‌های داخل اتاق‌ها. در برخی گزارش‌ها آمده که زنان علاوه بر استفاده از مطبخ و تڑگاه‌های خانه خود، از مطبخ و تڑگاه‌های همسایه‌ها نیز استفاده می‌کردند. در خانه‌های مورد مطالعه به‌جز خانه سید رضا تفرشی، آخوند ابو و خانه جزایری که هر سه دارای الگوی اندرونی-بیرونی هستند، در دیگر خانه‌ها امکان استفاده همسایگان از مطبخ و تڑگاه یکدیگر فراهم بوده است: «اون موقع به‌جز مطبخ، خانوما از تڑگاه‌های توی حیاط یا داخل طاقای پیرامون حیاط یا از تڑگاه داخل اتاقا برای پخت‌وپز استفاده می‌کردن و همین‌طور برای کارای دیگه مثل رنگرزی نخا یا گرم کردن آب و حمام کردن کودکان یا خودشون و سایر اعضای خونواده. به همین دلیل در تمام اتاقا و حیاط و مطبخ فضاهایی برای نگهداری زغال وجود داشت. خانوما از هرجای خونه برای کاراشون استفاده می‌کردن» (پاسخ مشابه بین ۸ مصاحبه‌شونده) لذا فضاهای پخت‌وپز خانه‌ها نتنها خلوتی زنانه تلقی می‌شدند، بلکه در مواقعی فضاهایی برای برقراری روابط خانوادگی و اجتماعی نیز بوده‌اند.

۷.۶.۱. مطبخ

مطبخ در خانه‌های مورد بررسی بر دو نوع بوده‌اند: مطبخ به‌عنوان فضایی سرپوشیده که نسبت به حیاط دارای پنجره بوده، مانند مطبخ خانۀ سید رضا حاکم خرم‌آباد، خانۀ قاضی آخوند ابو، خانۀ جزایری، خانۀ کشفی، خانۀ سلاح‌ورزی، خانۀ ابوالقاسمی، خانۀ الماسیان و خانۀ عیسی‌زاده؛ و مطبخ‌هایی نیمه‌باز در خانه‌هایی چون خانۀ کشفی، عیسی‌زاده، ابوالقاسمی، صارمی و ملکی که همانند ایوان به حیاط دارای گشودگی و فاقد درب بوده‌اند. امکان دید به حیاط را داشته‌اند و بنابراین در هنگام پخت‌وپز امکان معاشرت با دیگر افراد در حیاط، ایوان، مهتابی و طارمی خانه نیز فراهم بوده است. این مطبخ‌ها مانند مطبخ‌های نوع قبل در جدارۀ خود دارای طاقچه‌ها با ابعاد متفاوت بوده‌اند که برای نگهداری برخی مواد غذایی و برخی ظروف مورد استفاده قرار می‌گرفتند و همچنین دارای فضایی برای نگهداری هیزم یا زغال در حد مصرف روزانه بوده‌اند.

«من از عشایر لرستان بودم. ۱۵ ساله بودم که با شوهرم که ساکن خرم‌آباد بود و قنادی داشت، ازدواج کردم. مطبخ تبدیل به محل کار شوهرم شده بود و اونجا کارگاه قنادی بود. کم‌کم بهش کمک کردم و مهارت پیدا کردم. بعدها که شوهرم فوت کرد، با وجود ۱۳ تا بچه، توی خونه کارگاه رو حفظ کردم و برای مغازۀ فروش شیرینی که داشتیم، به آقا رو استخدام کردم. بعدها رب و ترشی و سرکه هم درست می‌کردم و به قنادی می‌فرستادم که فروخته بشن. از ایوان گوشۀ حیاط به‌عنوان فضای پخت‌وپز غذا و پخت نان استفاده می‌کردم و اونجا چند تا تزگانه ساخته بودیم. این طوری موقع کار کردن از احوال خونه و حیاط و ورودی خونه اطلاع داشتیم و با همسایه‌ها که برای بردن آب از نهر داخل خونه‌مون میومدن، معاشرت هم می‌کردم. هر اتاق تزگانه جداگانه‌ای داشت که برای درست کردن چای و گرم کردن نان و غذا و گاهی هم پختن بعضی غذاها از اون استفاده می‌کردم» (پاسخ متعلق به خانم: کد A3، متولد ۱۲۸۹ش).

«مادرم اغلب اوقات کارای پخت‌وپز رو را توی ایوان و حیاط یا بعضی وقتا توی اتاق انجام می‌داد. بعضی وقتا هم توی مطبخ. بستگی به این داشت در چه فصلی از سال هستیم. وقتی هوا سرد می‌شد، مادرم کارایی رو که توی حیاط انجام می‌داد، توی مطبخ یا اتاق انجام می‌داد» (پاسخ متعلق به خانم درباره زندگی مادرش: کد A4، متولد ۱۳۲۱ش).

«بچه که بودم یادم میاد مادربزرگ و مادرم بعضی کارا رو توی مطبخ انجام می‌دادن. بعدها همین‌طور همسرم. بخشی از مطبخ محل نگهداری هیزم بود. مثل ایوان نسبت به حیاط گشوده بود و در نداشت. خانومای خونه که اغلب جاری بودن، به‌صورت مشترک از مطبخ استفاده می‌کردن. البته پدرم به‌جز مادرم دو زن دیگه هم داشتن» (پاسخ متعلق به آقا: کد B4، متولد ۱۳۱۰ش).

«خونه ما اندرونی-بیرونی بود. مطبخ ما کنج حیاط قرار داشت. از حیاط بیرونی و هم اندرونی به اون دسترسی داشتیم. بزرگ بود و تا حدودی سیاه، ولی خیلی تاریک نبود. پنجره داشت. بعداً کم‌کم سفیدکاری شدن. بخشی از مطبخ به انبار هیزم و زغال اختصاص داشت. نان رو هم توی یکی از تزگانه‌ها که مخصوص پخت نان بود، خانوم خدمتکار که با شوهرش توی یه اتاق از خونه ما زندگی می‌کردن، می‌پخت. چند تا خونواده باهم زندگی می‌کردیم. همه خانوما از این مطبخ استفاده می‌کردن. فقط محرم‌ها حق داشتن وارد اندرونی بشن. البته خانومای همسایه حق استفاده از مطبخ و تزگانه‌های خونه ما رو نداشتن. خانومای ما لباس دوران قاجار می‌پوشیدن و روسری و نقاب داشتن، ولی خیلی از مردم شهر لباس بومی می‌پوشیدن؛ پیراهنای بلند با روسریایی به اسم گلونی که بخشی از سر رو می‌پوشاند و موهاشون بافته و نمایان بود» (پاسخ متعلق به آقا: کد B5، متولد ۱۳۱۴ش).

۷.۶.۲. تزگانه‌های داخل حیاط و داخل طاق‌های پیرامون حیاط

از دیگر فضاهای پخت‌وپز «تزگانه» نام داشته که در حیاط یا در طاق‌های پیرامون حیاط ایجاد می‌شده‌اند و درحقیقت اجاق‌هایی بوده‌اند برای افروختن آتش برای پخت‌وپز غذا و همین‌طور پخت نان و گرم کردن آب برای مصارف گوناگون و همچنین رنگ‌رزی. این تزگانه‌ها را زنان یا مردان با خشت و گل در اندازه‌های مختلف می‌ساخته‌اند. همسایه‌ها هم برخی اوقات از این تزگانه‌ها برای پخت‌وپز غذا یا پختن نان یا رنگ‌رزی استفاده می‌کرده‌اند که همین امر موجب افزایش معاشرت زنان خانه با دیگران بوده است.

۷.۶.۳. تزگاہ داخل اتاق‌ها

تزگاہ‌های داخل اتاق‌ها معمولاً مربع‌شکل و به ابعاد حدود ۴۰ سانتی‌متر در کف اتاق حفر شده بودند. با وجود تزگاہ در اتاق، بخشی از کارهای پخت‌وپز در شبانه‌روز به داخل اتاق منتقل می‌شد که این امر در ماه‌های سرد سال شایع‌تر بوده است. همین امر موجب برقراری روابط خانوادگی بیشتر بوده به طوری که زنان خانه علاوه بر انجام فعالیت‌های روزانه، با دیگر افراد خانواده به خصوص فرزندان و مهمانان نیز در ارتباط بوده‌اند.

«خونۀ ما دو تا چیز رو زیاد داشت: اول پستو و دوم پله. توی پستوها و طاقچه‌ها هم همیشه زغال داشتیم، چون ما توی همه اتاقا تزگاہ داشتیم و مرحوم مادرم برای گرم کردن خونہ، دم کردن چای و یا پخت نان، بعضی وقتا هم دم کردن برنج و پختن بعضی غذاهای خاص به خصوص در ماه‌های سرد سال، از اون استفاده می‌کرد. تزگاہ‌ها وسط اتاق نبودن. بیشتر نزدیک به پایین اتاق و نزدیک پنجره‌ها و درب ورودی بودن. ولی این قدر هم پایین نبود چون وقتی روی اونا کرسی قرار می‌دادیم، همه می‌تونستیم از چهارگوشۀ کرسی استفاده کنیم و بالاتر از تزگاہ، توی اتاق اون قدر جا بود که بازم بشه مثلاً سفره پهن کرد و از مهمون پذیرایی کرد» (پاسخ متعلق به خانم درباره زندگی مادرش: کد A4، متولد ۱۳۲۱ش).

«اتاقای ما تزگاہ داشتن و بعضیاشون هم شومینه. با گرم شدن هوا کرسی رو از روی تزگاہ برمی‌داشتیم و روی تزگاہ رو می‌پوشاندیم و مادرم بیشتر از ایوان‌های حیاط و مطبخ برای پخت‌وپز استفاده می‌کرد. ولی در فصلای سرد همیشه تزگاہ روشن بود و از اون برای پخت‌وپز بعضی غذاها و دم کردن چای و پخت نان و روشن کردن قلیون استفاده می‌کردیم» (پاسخ متعلق به آقا: کد B4، متولد ۱۳۱۰ش).

۸. بحث در نتایج

پژوهش‌های پیشین درباره خانه‌های تاریخی خرم‌آباد اغلب بر کالبد بنا، تأثیرات اقلیم بر معماری خانه‌ها و تزئینات آنان پرداخته‌اند (پژوهش‌های ردیف ۱ و ۲ و ۳). در یک پژوهش، تأثیرات خصوصیات فرهنگی بر چگونگی استقرار مطبخ در خانه‌های قاجاری خرم‌آباد و اردبیل پرداخته شده است (ردیف ۴). در دو پژوهش ردیف ۵ و ۶ به نقش‌های اجتماعی و اقتصادی زنان در دوران معاصر و نیز وضعیت زنان جامعه محلی لرستان در نتیجه فهم آنان از مدرنیزاسیون پرداخته‌اند. در ادامه، حوزه‌های اشتراک و افتراق و نتایج این پژوهش‌های آورده شده‌اند.

جدول ۵: حوزه‌های اشتراک و افتراق پژوهش‌های انجام‌شده با پژوهش حاضر

عنوان پژوهش	موضوعات و نتایج پژوهش
۱ ناصری و امینی‌فارسانی (۱۴۰۱)	در این پژوهش، ساینایی برای بازسوها براساس بررسی اطلاعات دمایی دوازده‌ساله طراحی شده است که نه تنها برای مواقع مشخصی از سال پوشش‌دهنده و تأمین‌کننده آسایش حرارتی بنا باشد، بلکه در طول سال براساس استفاده از نرم‌افزار Ecotec Analysis عمل کند و آسایش ساکنان را مرتفع نماید. (نمونه موردی: خانه کتشی)
۲ ناصری، عطاریان، و امینی‌فارسانی (۱۴۰۱)	بررسی نظریه‌های سیستم تنظیم تناسبات در خانه‌های دوره قاجار خرم‌آباد
۳ مؤمنی، عطاریان، و آذین‌میرزاوند (۱۳۹۵)	بررسی تطبیقی ویژگی‌های تزئینات آجرکاری خانه آخوند ابو خرم‌آباد و خانه سوزنگر در فول
۴ محمدزاده و همکاران (۱۴۰۰)	تأثیرات خصوصیات فرهنگی بر چگونگی استقرار مطبخ در خانه‌های قاجاری خرم‌آباد و اردبیل
۵ بابایی (۱۳۹۸)	تغییر نقش اجتماعی و اقتصادی زنان در استان لرستان در دوران معاصر
۶ یوسفوند و همکاران (۱۳۹۷)	فهم معنایی زن از مدرنیزاسیون در جامعه محلی لرستان

سه خانه از ۱۰ خانه مورد بررسی در پژوهش حاضر، با پژوهش‌های پیشین مشترک است: خانه‌های کشفی، آخوند ابو و جزایری. با توجه به اینکه بسیاری از خانه‌های تاریخی خرم‌آباد چندین مالک دارند، برخی از جبهه‌های آن‌ها به‌طور کامل تخریب شده‌اند یا دخل و تصرف‌های بسیاری در آن‌ها رخ داده است. در پژوهش‌های پیشین فوق، کالبد و وضعیت امروز خانه‌ها بررسی شده است. به عبارتی، تنها از پرونده‌های ثبتی خانه‌ها که در آرشیو میراث فرهنگی لرستان وجود داشته، استفاده شده است؛ درحالی‌که در پژوهش حاضر با توجه به موضوع آن، ساختار نخستین خانه‌های تاریخی با استفاده از تصاویر قدیمی، منابع مکتوب، مصاحبه و کار میدانی تهیه و ترسیم شده‌اند. در پژوهش‌های پیشین فوق، به کالبد و تزیینات و تأثیرات اقلیم بر خانه‌ها پرداخته شده؛ درحالی‌که در پژوهش حاضر علاوه بر کالبد و ساختار خانه، به روابط متقابل میان شیوه زندگی ساکنان و چگونگی شکل‌گیری و مکان‌یابی عناصر کالبدی و تعریف حریم‌ها و روابط فضایی پرداخته شده است. به عبارتی معماری خانه‌های تاریخی از بُعد انسان‌شناسی، فرهنگی و اجتماعی با محوریت زنان مورد پژوهش قرار گرفته‌اند. در پژوهش شماره ۴ چگونگی استقرار مطبخ از منظر ویژگی‌های فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته که یکی از فضاهای مورد بررسی در پژوهش حاضر نیز مطبخ است. در عین حال در پژوهش حاضر، تمامی عناصر کالبدی خانه‌های تاریخی، رابطه متقابل شیوه زندگی زنان و فضاهای کالبدی و چگونگی تعریف عرصه‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در هر دو پژوهش پیشین فوق، «زنان» و «مدرنیزاسیون و دوران معاصر» و «نقش‌های اجتماعی و اقتصادی» محور پژوهش بوده‌اند که در پژوهش حاضر نیز «زنان و شیوه زندگی آنان» مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در پژوهش‌های پیشین فوق، وضعیت زنان در دوران معاصر بررسی شده‌اند؛ درحالی‌که در پژوهش حاضر شیوه زندگی زنان در دوران قاجار و پهلوی اول براساس مردم‌نگاری تاریخی و اسناد مکتوب مورد توجه بوده است. در پژوهش‌های پیشین به بُعد معماری خانه‌های تاریخی پرداخته نشده و وضعیت زنان از دیدگاه اجتماعی و اقتصادی بررسی شده است؛ درحالی‌که در پژوهش حاضر ارتباط متقابل معماری و بُعد انسانی و شیوه زندگی زنان محور پژوهش بوده است.

نتیجه

پژوهش پیش رو درصدد یافتن تأثیرات و ارتباط میان شیوه زندگی زنان شهر خرم‌آباد با چگونگی تعریف عرصه‌های زندگی خصوصی و جمعی در خانه‌های دوره قاجار بوده است. در این راستا به بررسی منابع مکتوب و تصویری تاریخی و انجام کارهای میدانی پرداخته شد. نتایج حاصل نشان دادند که ارزش‌ها، ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه مورد پژوهش درباره زنان و شیوه زندگی آنان، در چگونگی تعریف عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی تأثیرگذار بوده است. عرصه‌های زندگی خصوصی و جمعی آنان براساس عرف جامعه و خانواده شکل می‌گرفته و بیانگر میزان روابط خانوادگی و اجتماعی آنان نیز بوده است؛ به‌طوری‌که پرنسپل بودن عرصه‌های زندگی جمعی را در معماری خانه‌های تاریخی دوره قاجار شهر خرم‌آباد می‌توان مشاهده نمود. چنان‌که برخی از عرصه‌های زندگی خصوصی کم‌رنگ‌تر شده و دارای ویژگی‌های عرصه‌های زندگی نیمه‌خصوصی بوده‌اند و برخی عرصه‌های زندگی نیمه‌خصوصی خانه‌ها به عرصه‌های زندگی جمعی تغییر کارکرد داده بودند. به عبارتی، زنان با به اشتراک گذاشتن برخی فضاهای خصوصی و نیمه‌خصوصی خانه خود با همسایگان نوعی عرصه‌های بزرگ‌تر زندگی خصوصی، نیمه‌خصوصی و عرصه زندگی جمعی ایجاد کرده‌اند. عرصه‌های زندگی خصوصی زنانه در مواردی نه‌تنها خلوتی زنانه بلکه فضایی برای برقراری روابط خانوادگی و اجتماعی نیز بودند. همچنین نتایج نشان می‌دهند زنانی که در خانه‌های دارای الگوی یک‌حیاطی (حیاط مرکزی) زندگی می‌کرده‌اند، دارای سطح بالاتری از روابط خانوادگی و تعاملات اجتماعی نسبت به زنانی بوده‌اند که در خانه‌های دارای الگوی اندرونی-بیرونی زندگی می‌کرده و اغلب افراد نیز غیربومی بوده‌اند.

تشکر و قدردانی

کمال قدردانی و سپاس از ساکنان خانه‌های تاریخی و بافت تاریخی خرم‌آباد که با صبر بسیار، علاقه و دقت در مصاحبه‌ها شرکت نمودند و در معرفی بافت تاریخی، همراهی و راهنمایی‌های بسیار نمودند.

پی‌نوشت‌ها

1. Rapoport Amos (1929- ?)
2. Alfred Adler (1870- 1937)
3. Pierre Bourdieu (1930- 2002)
4. Anthony Giddens (1938-?)
5. Max Sorre (1880- 1962)
6. Robert Redfield (1897- 1958)
7. Simmel (1858- 1918)
8. Clockhon
9. Mckee
10. Veblen (1857- 1929)
11. Max Weber (1864- 1920)
12. Charles M. Hudson (1932-2013)

۱۳. «تژگاه» محلی است که در آن آتش برپا می‌کنند. لرستانی‌ها روی تژگاه نان و غذا آماده می‌کردند. تژگاه برای آنان بسیار مقدس است و هیچ‌گاه آن را با آب خاموش نمی‌کنند. تنها در هنگام مرگ جوان و یا بزرگ قوم آب بر تژگاه می‌ریزند تا آتش خاموش گردد که نشانی از خاموشی عمر فرد درگذشته است. «در خانه‌های روستایی در ساردنی - از جزایر ایتالیا در مدیترانه - آتش اجاق را پیوسته روشن نگه می‌داشتند و فقط وقتی کسی می‌مُرد، در مدت عزاداری اجاق را خاموش نگه می‌داشتند» (کوپر ۱۳۸۲، ۱۱۱).

۱۴. گیوه لرستان به نام آژیه شهرت داشته و مهم‌ترین و همه‌گیرترین پای‌افزار مردمان گذشته بوده است. کف آن با چرم توسط مردان تهیه می‌شده و رویه آن توسط زنان از نخ‌های پشمی و محکم یا نخ‌های ابریشمی بافته می‌شده که دارای نوع زنانه و مردانه بوده است.

منابع

- ادموندز، سیسیل جان، کلمنت دوبد، و ولادیمیر مینورسکی. ۱۳۶۲. دو سفرنامه درباره لرستان، همراه با رساله لرستان و لرها. ترجمه سکندر امان الهی بهاروند و لیلی بختیار. تهران: بابک.
- ارمغان، مریم، حسین سلطان‌زاده، و هما ایرانی بهبهانی. ۱۳۹۴. بازتعریف نقش زن در خانواده و تأثیر آن بر تزیینات نقاشی و ساختار خانه‌های اعیانی تهران در دوره قاجار. نشریه باغ نظر (۱۲): ۳۴-۱۱-۲۴.
- ارمغان، مریم. ۱۳۹۳. سیر تحول معماری داخلی و فرهنگ زندگی در عمارت‌های اعیانی دوره قاجار: کاخ‌ها و خانه‌های تهران. رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. دانشکده هنر و معماری.
- استارک، فریا. ۱۳۶۴. سفری به دیار الموت، لرستان و ایلام. ترجمه علی محمد ساکی. چ ۲. تهران: علمی.
- اسکین، دنیل، و روی کرن. ۱۳۸۹. ارزیابی و درمان سبک زندگی: رویکرد روان‌شناسی فردی آدلر. اهواز: رشن.
- افشار، حسنی خان. ۱۳۸۲. سفرنامه لرستان و خوزستان. تصحیح و پژوهش حمیدرضا دالوند. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الفت، سعیده، و آزاده سالمی. ۱۳۹۱. مفهوم سبک زندگی. فصلنامه مطالعات سبک زندگی (۱): ۳۶-۹.
- بابایی، محبوبه. ۱۳۹۸. تغییر نقش اجتماعی و اقتصادی زنان در استان لرستان معاصر. مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی (۲): ۱-۹۵-۱۰۱.
- بازایی، محمد، مریم قاسمی سیجانی، سید علیرضا شجاعی، و سید مهدی مداحی. ۱۴۰۰. بررسی تغییرات سبک زندگی و تأثیرات آن بر کالبد معماری و پیکره‌بندی فضایی خانه‌های بومی دوره قاجار و پهلوی شیراز. جغرافیا (۱۱): ۲: ۷۱-۴۵.

- بمانیان، محمدرضا، و مسلم زندی. ۱۳۹۶. مسکن ایرانی و سبک زندگی. چ ۱. تهران: حرف اول و آخر.
- بمانیان، محمدرضا، فهیمه یاری، صهیب دهقانی، و سمانه بنی‌هاشمی. ۱۳۹۱. خانه، مسکن و الگوهای سنتی در ایران عرصه‌های عمومی و خصوصی در الگوی سنتی معماری خانه‌های ایرانی. همایش ملی صد سال معماری و شهرسازی معاصر ایران.
- بیشوپ، ایزابلا. ۱۳۷۵. از بیستون تا زردکوه بختیاری. مهراب امیری. چ ۱. تهران: سپند.
- حسنی، محمدحسین، محمدسعید ذکایی، ابوتراب طالبی، و علی انتظاری. ۱۳۹۶. مفهوم‌سازی سبک زندگی فرهنگی. جامعه‌پژوهی فرهنگی (۸) ۱: ۲۳-۴۵.
- چرامیف، سرج، و کریستوفر الکساندر. ۱۳۹۴. عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی: به جانب یک معماری انسانی. ترجمه منوچهر مزینی. چ ۵. تهران: دانشگاه تهران.
- راپوپورت، آموس. ۱۳۹۸. انسان‌شناسی مسکن. ترجمه خسرو افزلیان. چ ۴. تهران: کتابکده کسری.
- راپوپورت، آموس. ۱۳۸۲. خاستگاه‌های فرهنگی معماری. آل رسول، صدف، و افرا بانک. فرهنگستان هنر، ش. ۸: ۹۷-۹۲.
- راولینسون، هنری. ۱۳۶۲. سفرنامه راولینسون: گذر از زهاب به خوزستان. سکندر امان‌اللهی بهاروند. تهران: آگه.
- سیاح محلاتی، میرزا محمدعلی. ۱۳۴۶. خاطرات حاج سیاح. تصحیح سیف‌الله گل‌کار. تهران: امیرکبیر.
- کرزن، جرج. ۱۳۷۳. ایران و قضیه ایران. ج ۲. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. چ ۴. تهران: علمی و فرهنگی.
- کوپر، مارکوس. ۱۳۸۲. خانه: نماد خویشتن. ترجمه احد علیقلیان، فصلنامه فرهنگستان هنر (۵): ۱۱۹-۸۴.
- فاضلی، نعمت‌الله. ۱۳۸۷. مدرنیته و مسکن: رویکردی مردم‌نگاری به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن. فصلنامه تحقیقات فرهنگی (۱) ۱: ۲۵-۶۳.
- فاریابی، فهیم، و سید عباس یزدانفر. ۱۳۹۹. تأثیر شیوه زندگی بر سازمان فضایی خانه‌های شهرستان کرمان. معماری اقلیم گرم و خشک (۸) ۱۲: ۱۹۷-۲۲۱.
- قاسمی، فرید. ۱۳۹۰. اسناد خرم‌آباد: عریضه‌ها، انتخابات، گوناگون. تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- محمدزاده، سودابه، حسین سلطان‌زاده، و امیرمسعود دباغ. ۱۴۰۱. بازتاب جنسیت و سبک زندگی در خانه‌های دوره قاجار اردبیل. مطالعات هنر اسلامی (۴۷) ۱۹: ۵۲۴-۵۴۵.
- محمدزاده، سودابه، حسین سلطان‌زاده، و امیرمسعود دباغ. ۱۴۰۰. تأثیرات خصوصیات فرهنگی بر چگونگی استقرار مطبخ در خانه‌های قاجاری خرم‌آباد و اردبیل. مطالعات هنر اسلامی (۱۸) ۴۳: ۴۴۵-۴۶۱.
- مداحی، سید مهدی، و غلامحسین معاریان. ۱۳۹۷. خوانش پیوند سازمان فضایی خانه و شیوه زندگی در معماری بومی شهر بشرویه. مسکن و محیط روستا، ش. ۱۶۴: ۸۴-۶۹.
- مدنی‌پور، علی. ۱۳۹۴. فضاهای عمومی و خصوصی شهر. فرشاد نوریان. چ ۴. تهران: پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).
- مرتاض هجری، محمد، سید عباس یزدانفر، و سید باقر حسینی. ۱۴۰۰. بررسی روابط متقابل سبک زندگی و سازمان فضایی خانه (مورد مطالعه: خانه‌های مسکونی شهرستان رشت). مطالعات معماری ایران (۱۹): ۱۹۳-۲۱۳.
- مؤمنی، کوروش، کوروش عطاریان، و آذین میرزاوند. ۱۳۹۵. بررسی تطبیقی ویژگی‌های تزیینات اجرکاری خانه آخوند ابو خرم‌آباد و خانه سوزنگر دزفول. فصلنامه اثر، ش. ۷۳: ۱۲۳-۱۴۲.
- مهری، سودابه، جمال‌الدین سهیلی، و حسین ذبیحی. ۱۳۹۹. تأثیر سبک زندگی بر روابط فضایی خانه‌های اعیان‌نشین دوره قاجار. باغ نظر، ش. ۱۷: ۵۱-۶۶.
- نصری، حسین، کوروش عطاریان، و زهرا امینی فارسانی. ۱۴۰۱. بررسی نظریه‌های سیستم تنظیم تناسبات در خانه‌های دوره قاجار خرم‌آباد. اندیشه معماری (۶) ۱۱: ۷۳-۸۸.
- نصری، حسین، و زهرا امینی فارسانی. ۱۴۰۱. بهینه‌یابی فرم سایبان برای بازشوهای خانه‌های سنتی شهر خرم‌آباد با استفاده از نرم‌افزار Ecotect Analysis (نمونه موردی: خانه کشفی). پژوهش‌های اقلیم‌شناسی، ش. ۵۱: ۱۸۳-۱۹۷.
- نجم‌الدوله، عبدالغفار. ۱۳۸۶. سفرنامه دوم نجم‌الدوله به خوزستان: ایران عهد ناصر. تصحیح و تنظیم احمد کتابی. تهران:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- والی‌زاده معجزی، محمدرضا. ۱۳۸۰. تاریخ لرستان روزگار قاجار از تأسیس تا کودتای ۱۳۹۹. تهران: حروفیه.
- ورمقانی، حسنا، حسین سلطان‌زاده، و مزین دهباشی. ۱۳۹۴. رابطه جنسیت و فضا در عرصه‌های خصوصی و عمومی دوره قاجار. *باغ نظر* (۱۲): ۳۷-۴۰.
- ورمقانی، حسنا، و حسین سلطان‌زاده. ۱۳۹۸. نقش جنسیت و فرهنگ معیشتی در شکل‌گیری خانه: مقایسه خانه‌های قاجاری گیلان و بوشهر. *معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، ش. (۲۳): ۱۲۳-۱۳۴.
- ویلسون، سر آرتور. ۱۳۴۷. *سفرنامه ویلسون: تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران*. ترجمه حسین سعادت. تهران: نشر وحید.
- هال، ادوارد. ۱۳۹۲. *بعد پنهان*. ترجمه منوچهر طیبیان. چ ۷. تهران: دانشگاه تهران.
- همدانی، فریدالملک همدانی. ۱۳۵۴. *خاطرات فرید*. مسعود فرید قره‌گزلو. تهران: زوار.
- یوسفوند، سامان، علی انتظاری، و زینب مرادی‌نژاد. ۱۳۹۷. فهم معنایی زنان از مدرنیزاسیون در جامعه محلی (مورد مطالعه: استان لرستان). *راهبرد اجتماعی فرهنگی* (۷): ۲۸-۳۱۷.
- یزدانفر، سید عباس، و مهسا ضراب‌الحسینی. ۱۳۹۴. تأثیر شیوه زندگی بر سازمان فضایی خانه‌های شهرستان ارومیه. *انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران* (۱۰): ۴۵-۶۱.
- Adler, A. 1997. *Understanding Life*. Oneworld Publications.
- Benn, S.L. and G. F. Gaus. 1983. Eds. *Public and Private in Social Life*. London: Croom Helm, St Martin's Press.
- Bell, D. and J. Hollows. 2006. *Historicizing lifestyle*. London: Ashgate.
- Bourdieu, P. 1984. *Distinction*. New York: Routledge & Kegan Paul.
- Cranz, G. 2016. *Ethnography for Designers*. London: Routledge.
- Douglas, B. and D. Di Rosa. 2020. Ethnohistory and Historical Ethnography. Chapter in *Oxford Bibliography in Anthropology Online*, ed. John Jackson. Oxford University Press.
- Howell, S. and V. Tentokali. 1989. *Domestic privacy: Gender, culture, and development issues*. in Setha Low and ERVE chambers, eds, *Housing, Culture, and Design*, university of Pennsylvania press, Philadelphia, 281-300.
- McKee, J. B. 1969. *Introduction to Sociology*. Holt Rinehart and Winston Inc.
- Pritchard, E. 1961. *Anthropology and History*. A Lecture. Manchester: Manchester University Press.
- Rapoport, A. 1969. *House Form and Culture*. United State of America. University of Wisconsin Milwaukee.
- Redfield, R. 1953. *The Primitive World and Its Transformation*. Ithaca, N.Y: Cornell University Press.
- Simmel, G. 1990. *The Philosophy of Money, Tom Boomer and David Frisby (Trans)*, Second Enlarged Ed, New York: Routledge.
- Veal A. J. 2000. *Leisure, Culture and Lifestyle*. Volume 24, Number 2, Culture et mode de vie.
- Williams, R. 1961. *The Long Revolution*. Chatto & Windus.